

خودسازی و دوری از گناه

در زندگی شهدا

سزای جوان

گره‌گشای دوره‌های سخت و محنت‌های بزرگ است و وقتی وارد میدان می‌شود گره‌های ریز و سخت گشوده خواهد شد.

سیدعلی خامنه‌ای
۷/۲/۷

A pair of hands is shown tearing a strip of fabric from a white shirt. The fabric strip is covered in dense, intricate black calligraphy in Persian script. The hands are positioned at the top of the strip, pulling it apart to reveal the text underneath. The background is the white fabric of the shirt.

ناصر کاوه

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاوه

امروز کشور ما به بزرگداشت شهدا احتیاج دارد

امروز کشور ما به بزرگداشت شهدا احتیاج دارد. تهاجم دشمنان در سطح مسائل معنوی، بسیار مشکل سازتر از حملات سخت است... شهدا در زمانی که زنده بودند، با جان خودشان دفاع کردند؛ امروز با هویت و معنویت خودشان دارند از هویت کشور و اسلام دفاع می کنند.

امام خامنه ای؛ در دیدار با دست اندرکاران کنگره بزرگداشت

شهدای استان خراسان جنوبی

۱۴ آبان ۱۴۰۲



نباید گدازشت جوشش خون شهیدان فرو بنشیند زیران شهیدان هویت

ملت ایران هستند و ملت نباید هویت خود را فراموش کند.

پسر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه ای

۲۳ آذر ۱۴۰۲

خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاوی

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خودسازی و دوری از گناه در زندگی شهیدا

نویسنده: ناصر کاوه

گرافیک و طراح: علی کربلائی

ویراستار، حروف نگار: نرگس کاوه

مشاور طرح: مهدی کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

رسانه و فضای مجازی: لیلا عاقلی

قیمت: ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

سرشناسه: کاوه، ناصر، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: خودسازی و دوری از گناه در زندگی شهیدا
مشخصات ظاهری: ۴۹ ص.
شابک:

۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه.

موضوع: شهیدان — ایران — بازماندگان — خاطرات

Martyrs — Iran — Survivors — Diaries

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ — خاطرات

موضوع: Personal narratives — ۱۹۸۸-۱۹۸۰, Iran-Iraq War

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

فهرست مطالب

مقدمه / ۶

خودسازی / ۱۱

شهید محمودی / ۱۲

شهید زین الدین / ۱۵

شهید چیت ساریان / ۱۶

شهید ناصر حسینی / ۱۷

شهید شیروودی / ۲۰

شهید راضیه / ۲۱

شهید علم الهدی / ۲۵

شهید سلیمانی / ۲۸

شهید ابراهیم هادی / ۲۹

شهید بخشی / ۳۲

شهید یوسف الهی / ۳۳

چهل راه کار رهبری / ۳۴

شهید مدنی / ۴۷



خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاوه



در بیان زندگی نامه‌ی شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی
اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم، این مهم است امام خامنه‌ای

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی

این کتاب تقدیم می‌شود
به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)
امام خمینی (ره)، شهدا از صدر اسلام تا تمامی شهدای نظام مقدس
جمهوری اسلامی ایران و رئیس جمهور شهید، سیدابراهیم رئیسی و شهدای همراه

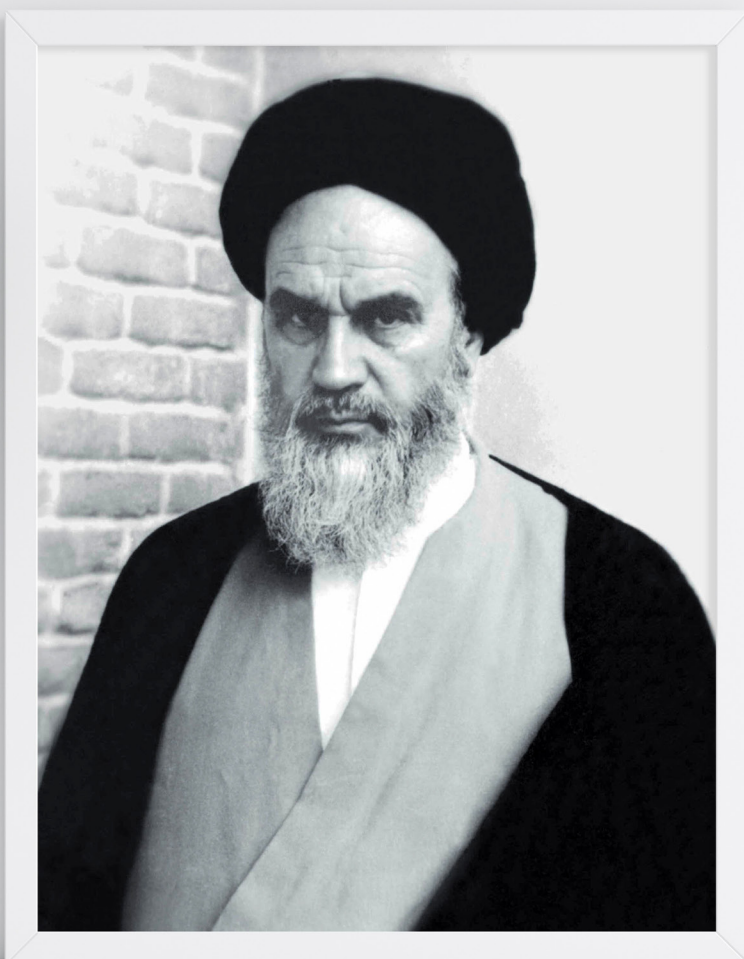
امام خامنه‌ای

...ما با شهدا معاصر بودیم و جهاد و ایثار و شهادت و گره‌گشایی‌ها و ایستادگی آنان در مقابل قدرتها را دیدیم اما نسل جوان، این موضوع را با وضوح و بداهتی که ما متوجه شدیم، نمی‌بیند، بنابراین هر یک از علما، روشنفکران، دانشگاهیان و صاحبان مناصب دولتی، باید به تناسب جایگاه خود نقش آفرینی کنند. راه مقابله با جنگ شناختی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی جبهه دشمنان انقلاب اسلامی، استمرار راه شهدا و عمل به درس آنان یعنی مجاهدت، ایستادگی و مقاومت است...

...عزیزان من، برادران خوب، خواهران خوب! بدانید، امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را و حزن را برطرف خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این پیام را نمی‌گیرند، نمی‌شنوند، والا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد شد، به برکت صدای شهیدان...



خودسازی و دوری از کنا، ناصر کاو



شهدا در محضر خدا هستند

قلم قاصر ما در وصف شهیدان چه توانند گفت، از شهیدان ارجمندی که خداوند تعالی در شأن آنان کلمه بزرگ **أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ** را فرموده است، بشری قاصر مثل من چه تواند گفت. آیا بار یافتن نزد خداوند و ضیافت مقام ربوبی از آنان را می توان با قلم و بیان و گفت و شنود توضیح داد؟ آیا این همان مقام **فَادْخُلِي فِي عِبَادِي** و **أَدْخُلِي جَنَّتِي** نیست که حدیث شریف بر سید شهیدان و سرور مظلومان منطبق نموده است؟ آیا این جنت همان است که مؤمنان در آن راه دارند، یا لطیفه الهی آن است؟ آیا این بار یافتن و ارتزاق نزد رب الارباب همان معنی بشری آن است، یا رمزی الهی و والاتر و فوق برداشت بشر خاکی؟ بارالها، این چه سعادت عظیمی است که نصیب بندگان خاص خود فرمودی که ما از آن محرومیم. اکنون من به مادران و پدران مربی این بندگان خاص خدا و همسران و بازماندگان این عزیزان به جای تسلیت، تبریک عرض می کنم.

یَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَاوَزَ فَوْزاً عَظِيماً... امام خمینی، کتاب: ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی، ص ۲۳

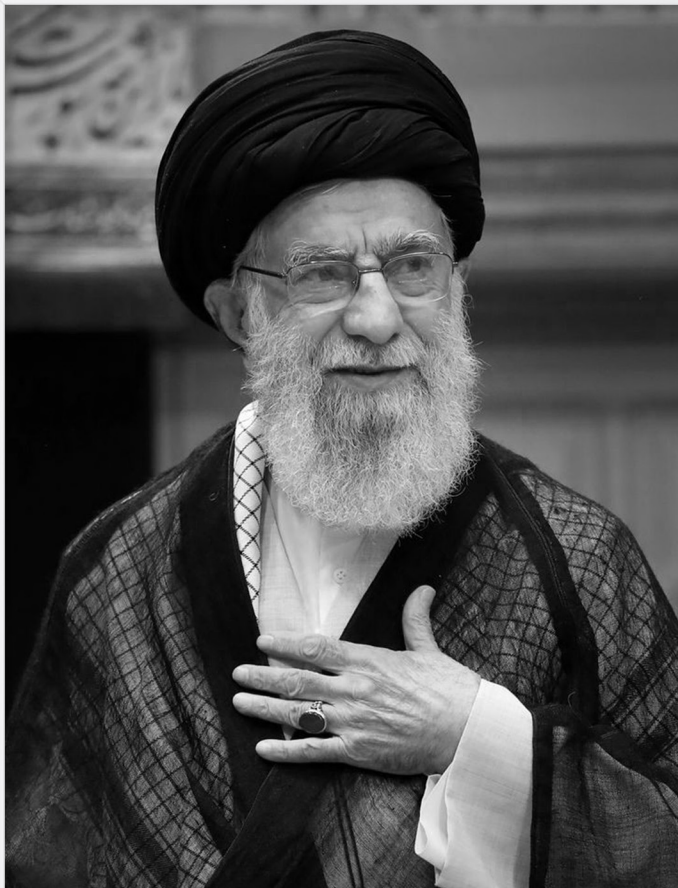
«مقدمه»

یا دنیا! غری غیری، ای زرد و سفید دنیا، ای طلا و نقره دنی، برو غیر علی را فریب بده، من تو را سه طلاقه کرده ام. کسی واقعاً برای حقوق و آزادی مردم احترام قائل است که دارای چنین عرفان عملی در ضمیر و وجدانش باشد. در این صورت است که به فلاح و وصال محبوب یا لقاء الله نائل می شود تا جایی که علی (ع) فرمود: **لَمَّا رَأَيْتَ شَيْئاً إِلَّا وَرَأَيْتَ اللَّهَ قَبْلَهُ وَمَعَهُ وَبَعْدَهُ**، چیزی را ندیدم مگر آنکه قبل از آن، با آن و بعد از آن خدا را دیدم. لذا پیامبر اکرم (ص) درباره امیرالمؤمنین (ع) فرمود: **لَا تَلُومُوا عَلِيًّا فَإِنَّهُ مَعْمُوسٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ**، علی را سرزنش نکنید که فانی در خداست. از پیغمبر و از خدا وارد شده است. (امام خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

امام خمینی می فرماید: «سازندگی روحی مقدم بر همه سازندگی ها است. جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع بشود و خودشان را بسازند و با شیطان باطنی جهاد کنند، که این جهاد منشأ جهادهایی است که بعد واقع می شود و انسان تا خودش را نسازد، نمی تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی شود که کشور ساخته بشود.» کتاب: مبانی تصمیم گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)...

با مروری گذرا بر سخنان امام خمینی (ره) این نکته را می توان دریافت که هر چه به زمان حاضر نزدیک تر می شویم، تکیه روی مسائل عرفانی، اخلاقی و تزکیه نفس مشهودتر است.

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی



به برکت شهیدان، حزن و خوف ما از بین می رود

... شهدا به طور طبیعی ماندگارند و اقتضای ماندگاری در شهدا هست، لکن ما هم وظیفه داریم؛ ما باید نام شهدا را زنده بداریم، ما باید از مفهوم شهادت، از پیام شهیدان برای آراستن درست زندگی استفاده کنیم؛ ما احتیاج به سامان بخشی زندگی جمعی داریم، در جامعه‌ی خودمان و در جامعه‌ی جهانی؛ به کمک شهیدان و آثار شهیدان می شود این کار را انجام داد... ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

شهید چیت‌سازیان، شهید ابراهیم هادی، شهید وزوایی؛ همه‌ی اینها شهدائی هستند که چون معرّفی شده‌اند و چهره‌های شان تبیین شده، مجموعه‌ای از جوانها هم به اینها دل بسته‌اند؛ وقتی دل می بندند، راه آنها را دنبال می کنند. این درست نقطه‌ی مقابل آن حرکتی است که سعی می کند دلبستگی‌ها را به نمادهای فساد، به نمادهای دنیاطلبی، به نمادهای هرزه‌گرایی جلب کند؛ ببینید این، نقطه‌ی مقابل آن است؛ این را شما دنبال نکنید، ان شاءالله که خداوند هم کمک تان خواهد کرد... امام خامنه ای، ۲۵/آذر/۱۳۹۸

اهمیت دادن به این نکته نشانه‌ی آن است که در شرایط کنونی، اساسی ترین و مهم ترین مسأله برای تداوم و تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی، تقویت ایمان و تزکیه نفس بیشتر در پرتو یاد خداست. این روند دقیقاً مطابق با همان روش پیامبر اسلام(ص) است که پس از فراغت از جهاد با دشمنان بیرونی و پیروزی بر آنها، روی جهاد اکبر یعنی مبارزه با نفس و تزکیه درونی تکیه می فرماید و مدال شجاعت برتر را به کسانی اعطا می کند که در صحنه نبرد درونی پیروز می شوند («اشجعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ»). در همین ارتباط اولین حدیثی که در کتاب چهل حدیث حضرت امام(ره) مورد بحث قرار می گیرد مربوط به جهاد اکبر و خودسازی است.

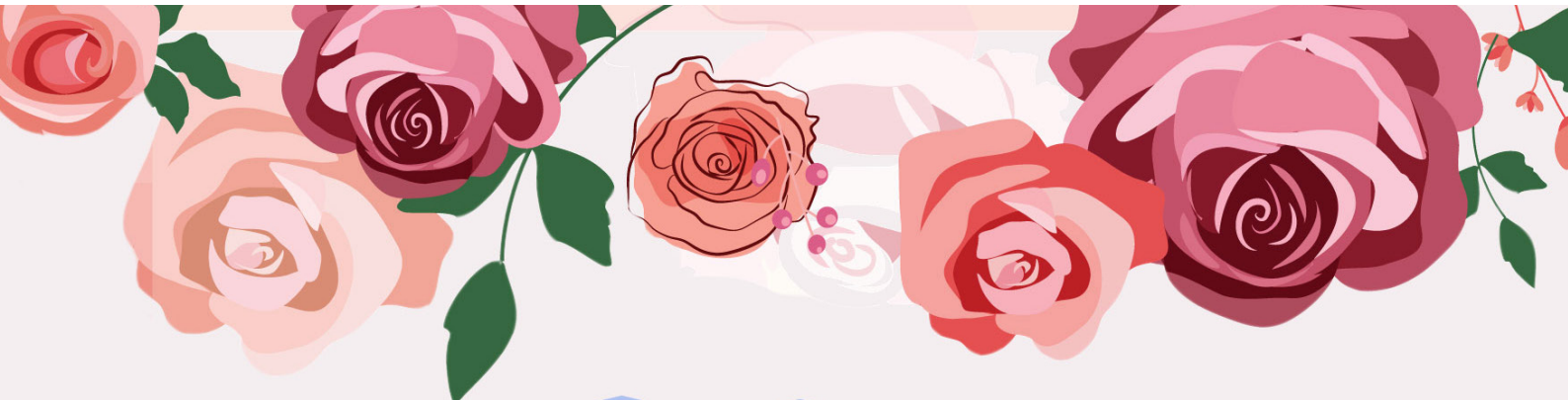
«امام صادق(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل می کند که حضرت، لشکری را برای جهاد بیرون فرستادند، پس چون برگشتند فرمودند: آخرین بار به گروهی که به جای آوردند جهاد کوچک را، به جای ماند بر آنها جهاد بزرگ، گفته شد ای پیغمبر خدا، چیست جهاد بزرگ؟ فرمود: جهاد نفس است.»

باحول وقوه الهی، باتوسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل های معطر و تهیه خوش بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک امام زمان (عج) و با رمزی از زهرا (س) نوشتن کتاب **خودسازی و دوری از گناه در زندگی شهیدان**، را شروع می کنیم، تا ان شاءالله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد... ارادتمند: ناصر کاوه

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاوه



خود سازی و دوری از گناه، ناصرکاره



وقتی معمم، مالا؛ مهذب نباشد،
فسادش از همه کس بیشتر است.
در بعض روایات هست که در جهنم،
بعضی‌ها - اهل جهنم - از تعفن بعضی
روحانیین در عذاب هستند،
و دنیا هم از تعفن بعضی از اینها
در عذاب است . تا اصلاح نکنید
نفوس خودتان را،

از خودتان شروع نکنید
و خودتان را تهذیب نکنید،
شما نمی‌توانید دیگران را تهذیب کنید.

امام_ خمینی

صحیفه امام؛ ج ۱۳؛ ص ۴۲۰

مورخ: ۲۷ آذر ۱۳۵۹



سازگاری و دوری از گناه، ناصر کاویانی



**خود سازی و دوری از گناه
در زندگی شهیدا**

هر قدمی که برای تحصیل علم برمی دارید،
قدمی هم برای کوبیدن خواسته های نفسانی،
تقویت قوای روحانی، کسب مکارم اخلاق،
تحصیل معنویات و تقوی، بردارید.

خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی
کتاب جهاد اکبر (مبارزه با نفس) از گناه تا صراط مستقیم

جهاد با نفس، جهاد اکبر

کشور ما و ملت ما احتیاج به سازندگی دارد. سازندگیهای روحی مقدم بر همه سازندگیهاست. جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع بشود و خودشان را بسازند و با شیطان باطنی جهاد کنند که این جهاد منشأ همه جهادهایی است که بعد واقع می‌شود. انسان تا خودش را نسازد نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی‌شود که کشور ساخته بشود. جهاد سازندگی از خود آدم باید شروع بشود.

جهاد نفس، جهاد اکبر است. برای اینکه همه جهادها اگر بخواهد نتیجه داشته باشد و بخواهد انسان در جهادها پیروز بشود موکول به این است که در جهاد نفس پیروز باشد.

اگر انسانها توجه به خودشان داشته باشند، جهاد نکرده باشند با شیطان خودشان، اینها واحد واحدهایی هستند که علاوه بر اینکه نمی‌توانند اصلاح جامعه را بکنند، فساد هم در جامعه می‌کنند. همه فسادهایی که در عالم واقع می‌شود، برای این است که آن جهاد واقع نشده؛ آن جهاد اکبر واقع نشده. تمام این گرفتاریهایی که بشر دارد از دست خود بشر دارد. بشر است که به بشر جنایت وارد می‌کند. سایر موجودات، سایر حیوانات ولو سبع هم باشند، آن قدری که بشر جنایت می‌کند آنها نمی‌کنند. این بشر است که چون اصلاح نشده است و جهاد سازندگی نکرده است، این از همه حیوانات سبعتراست. هیچ سبعی مثل انسان نیست. و هیچ حیوان دیگری هم به پای این حیوان نمی‌رسد...

از آدم تا خاتم، در راه پرورش انسانها

آن قدر که این انسان؛ این حیوان دو پا، در عالم فتنه و فساد می‌کند هیچ موجود دیگری نمی‌کند. و آن قدری که این حیوان دو پا محتاج به تربیت است هیچ حیوانی محتاج نیست. تمام انبیا از اول تا حالا، تا خاتم، از آدم تا رسول اکرم برای یک مقصد آمدند، و آن مقصد این است که این حیوانات را انسان کنند. مقصد این است. تمام کتابهایی که از آسمان برای انبیا آمده است که بزرگترش قرآن کریم است، همین یک مقصد را دارد که این انسانهایی که در این ظلمات واقع شده‌اند، غرق شده‌اند در دنیا، همه توجه‌شان به خودشان است، هر چه می‌خواهند برای خودشان می‌خواهند، اصلاً پیششان مطرح نیست یک چیز دیگری غیر از خودشان، آنها می‌خواهند اینها را از این ظلمتها نجات بدهند؛ به عالم نور برسند؛ ظلمتهای زیاد؛ ظلمات، آیه شریفه این طرفش را ظلمات می‌فرماید «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» آن طرف را نور می‌فرماید، این طرف را ظلمات. ظلمتها زیاد است. تاریکیهایی که بشر به آن مبتلاست. چه تاریکیهایی که در نفس خودش هست، و در باطن خودش هست، و چه تاریکیهایی که در جامعه هست. اینها زیادند. از اینها وقتی انسان تخلص پیدا کرد، نور یک امر واحد است. همه به یک مبدأ واحد به یک مبدأ نور باید برگردند.

خودخواهی منشأ همه ظلمت ها

انبیا آمدند که اینهایی که در ظلمتها واقع‌اند، اینهایی که هیچ نمی‌بینند الا خودشان [را]، و هیچ نمی‌خواهند الا برای خودشان، برای هیچ کس دیگر ارزش قائل نیستند، هر چه هست برای خودشان می‌خواهند، اینها را از این خودخواهی که منشأ همه ظلمتهاست، نجات بدهند و برسانند به خداخواهی که نور است. آنهایی که رسیده‌اند به این مقام خداخواهی، که این یک مرتبه از کمالات است، آنها اینطور نیستند دیگر که مثل ماها فکر کنند. آنها فکر دیگران هستند قبل از اینکه فکر خودشان باشند. پیغمبر اکرم برای این کافرهایی که مسلمان نمی‌شدند و مؤمن نمی‌شدند غصه می‌خورد. در آیه شریفه هست که: مثل اینکه می‌خواهی خودت را هلاک کنی برای اینها سوره شعرا، آیه ۳: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ». می‌خواست که همه عالم به نور برسند. مبعوث شده بود برای اینکه همه این هیاهوهایی که در دنیا هست و این هیاهوها برای خود است، برای رسیدن به قدرت خود است، این هیاهوها را از بین ببرد، و یک خداخواهی در مردم ایجاد کند، توجه به نور ایجاد کند. اگر ایجاد بشود آن، دیگر این همه نزاعهایی که در دنیا هست از بین می‌رود.

بی ایمانی ریشه اختلاف و درگیری

اگر تمام انبیا جمع بشوند در یک محلی، هیچ وقت با هم نزاع نمی‌کنند. اگر اولیا و انبیا را، شما فرض کنید که الآن بیابند در دنیا، هیچ وقت با هم نزاع ندارند. برای اینکه نزاع مال خودخواهی است. از نقطه نفس انسان پیدا می‌شود که آنها نفس را کشته‌اند. جهاد کرده‌اند و همه خدا را می‌خواهند. کسی که خدا را می‌خواهد نزاع ندارد. همه نزاعها برای این است که این برای خودش یک چیزی می‌خواهد، آن هم برای خودش یک

خود سازی و دوری از کلاه، ناصر کاوی



...مادرش می‌گه تارسیدیم بیمارستان دیدیم یکی صدا میزنه مامان، مامان... برگشتم به طرف صدا . اول صورتش رو شناختم، از شدت جراحات روی صورتش. از صداش فهمیدم علیرضاست. حالاشما حساب کنید «صورت زخم و زیلی شده و در گردنش خون لخته شده» و دکتر هم یه سوتک مانندی به گلوی علیرضاهم وصل کرده تابتونه راحت نفس بکشه بعد تو اون حالت برمی گرده به من می‌گه ... تو رو خدا بگذارید برگردم به جبهه من باید برگردم. بابا رو راضی کن بگذاره من برگردم جبهه. فراهایی از توبه نامه شهید ۳ساله، علیرضا محمودی: بار خدایا از کارهایی که کرده ام به تو پناه می برم از جمله: از اینکه حسد کردم... از این که مرگ را فراموش کردم.... از این که تظاهر به مطلبی کردم که اصلاً نمی دانستم... از این که زیبایی قلمم را به رخ کسی کشیدم.... از این که در غذا خوردن به یاد فقیران نبودم.... از این که در راهت سستی و تنبلی کردم.... از این که عفت زبانم را به لغات بیهوده آلودم..... از این که در سطح پایین ترین افراد جامعه زندگی نکردم.... از این که منتظر بودم تا دیگران به من سلام کنند... از این که شب برای نماز شب بیدار نشدم.... از این که دیگران را به کسی خنداندم، غافل از این که خود خنده دارتر از همه هستم.... از این که لحظه ای به ابدی بودن دنیا و تجملاتش فکر کردم.... از این که زبانم گفت بفرمائید ولی دلم گفت نفرمایید.... از این که شکمم سیر بود و یاد گرسنگان نبودم و...

کتاب زندگی به سبک شهدا، ناصر کاوه

شهید علیرضا محمودی

ساز و ساز و خردی از کلاه، ناصر کاوه

یا حسین

از همان کودکی، به بچه ها یاد داده بودیم که به شدت از گناه دوری کنند. مثلا اگر قرار بود به مجلس عروسی برویم و مجبور بودیم در آن عروسی برویم به خاطر صله رحم، موقع شام می رفتیم که تمام شده باشد. در رادیو و تلویزیون هم اگر احساس می کردیم که موسیقی ای پخش می شود که شرعا گوش دادنش صحیح نیست، صدا را قطع می کردیم و اینها باعث می شد که رسول، مسایل دینی را بیاموزد... یادم می آید یک بار زمانی که بچه بود، سوار تاکسی شدم و راننده موسیقی حرام گذاشته بود. یکهو دیدم رسول گوش هایش را گرفته و سرش را بین دستانش پنهان کرده و انداخته پایین. گفتم: چیه مامان!!!... گفت: گناه دارد نمی خواهم بشنوم...

کتاب مدافعان حرم، ناصر کاوه
شهید محمد حسن (رسول) خلیلی

خلیلی
حسن
محمد
شهید

خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاوه

بازگشت از گناه

چیزی می خواهد. این دو خودها تراحم می کنند. این قدرت را می خواهد مال خودش باشد، آن هم قدرت را می خواهد مال خودش باشد. تراحم می کنند. جنگ درمی آید. اگر مردم تربیت بشوند به تربیت انبیا که همه کتب آسمانی برای این تربیت آمده است، همه این نزاعها از بین می رود. همه این گرفتاریهایی که برای بشر است از بین می رود. برادر می شوند همه. همان طوری که در قرآن کریم همه را برادر خوانده است. مؤمنها برادرند. از این آیه استفاده این معنا می شود که چنانچه دو نفر به اخوت ایمانشان عمل نکنند، برادر نباشند، مؤمن نیستند. «الْمُؤْمِنُونَ أَخَوَةٌ» سوره حجرات، آیه ۱۰ اینکه برادر هستند. این مؤمنها برادرند. همان طوری که یک برادر برای برادر خودش خیر می خواهد، مؤمن این است... ۲ دی ۱۳۵۸ / ۳ صفر ۱۴۰۰

حقیقت ایمان

اگر یک وقت ما دیدیم که کسی برای برادرهای خودش خیر نخواست، نزاع راه انداخت، هیاهو راه انداخت، این به طرف خودش بکشد، او به طرف خودش بکشد، این از ایمان معلوم می شود که حظ صحیح نبرده است. این که باید ایمان در قلب این تأثیر بکند، نکرده است.

عالم، محضر خداست...

ایمان عبارت از این است که آن مسائلی را که شما با عقل تان ادراک کرده اید قلب تان هم به آن آگاه بشود. باورش بیاید. این محتاج به یک مجاهده ای است تا به قلب شما [، برسد]. بفهمید که همه عالم محضر خداست. محضر خداست. ما الآن در محضر خدا نشسته ایم. اگر قلب ما این معنا را ادراک بکند که ما الآن در محضر خدا هستیم، همین مجلس محضر خداست، این را اگر - ایمان انسان بر آن راه پیدا نیست - مؤمن بشود انسان به آن، قلب انسان بیابد این مطلب را، از معصیت کنار می رود.

تمام معصیتهای برای این است که انسان نیافته این مسائل را. برهان هم بر آن دارد. برهان عقلی هم قائم است به اینکه خدای تبارک و تعالی همه جا حاضر است. هم برهان است و هم همه انبیا گفته اند «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ» قرآن است، او با شماست. هر جا هستید او با شماست. ما این را از قرآن شنیده ایم. به برهان هم ثابت هست، لکن به قلب ما نرسیده است. ما مثل مرده شور نشده ایم. تا حالا در این باب، ما مثل مردم عادی هستیم که مطلب نرسیده به قلب مان، تا اگر بخواهیم یک غیبت بکنیم، یک تهمت بزنیم، یک کار زشت بکنیم ببینیم محضر خداست. محضر احترام دارد. انسان در محضر یک بزرگی که در نظر خودش بزرگ است، احترام می کند از آن محضر. اگر یک شخصی که در نظرتان بزرگ است پیش شما باشد، در محضر او کار خلاف نمی کنید، چه رسد به اینکه در محضر او به او خلاف بکنید. کار خلاف مطلقاً آدم نمی کند در محضر یک کسی که ادراک کرده است که این بزرگ است، محترم است. چه رسد به این که در محضر آن محترم به خود آن محترم خلاف احترام بکند. محضر، محضر خدای تبارک و تعالی است.

عالم محضر است. تمام عالم محضر او است. معصیت مخالفت با خود اوست. با آن کسی است که در محضرش هستید. بسازید. انبیا آمدند که ما اشخاصی [را] که از نور بهره ای نداریم و ظلمات - به ما - احاطه کرده است از هر طرف ما را، از این ظلمت های گوناگون نجات بدهند و برسانند به عالم نور، که اگر رسیدید به عالم نور، شما سر تا پایتان نورانی می شوید؛ نور می شوید. اصلش حرفی که می زنید نورانی است. حرفی که می شنوید نورانی است. گوش و سمع و بصر [نورانی است] همه گوش خودت را رها کرده ای، یک گوش نورانی پیدا کرده ای. چشم ظلمانی را رها کرده ای، یک چشم نورانی پیدا کرده ای. چشمی است که با آن توجه به خدا دارید. گوشی است که با آن توجه به خدا دارید... صحیفه امام خمینی - جلد ۱۱ - صفحه ۳۸۳

امام خمینی:

هیچ گاه از کارها مایوس نشوید؛ چون
همه چیز یک دفعه درست نمی شود،
و کارهای بزرگ باید به تدریج
صورت گیرد



سازگی و دوری از گناه، ناصر کاوی



سردار سرلشکر پاسدار شهید مهدی زین الدین:

پیام شهیدان
حفظ جمهوری اسلامی،
تزکیه و جهاد اکبر است.

شهیدان زین الدین

ده سال بعد از شهادت مهدی و مجید زین الدین، پدر بزرگوارشون می‌گفت: من در این مدت طولانی بارها نشسته و به خاطرات گذشته بازگشته‌ام. اما هر چه فکر کردم تا یک خطا و یا گناهی از مجید و مهدی به یاد بیآورم، چیزی پیدا نکردم، نمی‌خوام بگم معصوم بودند، اما من که پدرشون هستم، به خدایی خدا گناهی ازشون سراغ ندارم... خاطره‌ای از زندگی شهیدان مهدی و مجید زین الدین، منبع: کتاب سرداران تقوا، ص ۴۳

خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی

امام خامنه ای: این حرف من نیست حرف
 آن رزمنده همدانی است. "کسی میتواند
 از سیم خاردارهای دشمن عبور کند که در
 سیم خاردار نفسش گیر نکرده باشد" ...
 اگر تمام بدنمان قطعه قطعه کنند و زیر
 تانک ها از بین ببرن قطعه قطعه بدنمان
 می گوید: مرگ بر آمریکا... اگر بنا بود
 امریکا را سجده کنیم انقلاب نمی کردیم!
 ما بنده خداهستیم و فقط برای او سجده
 می کنیم... قلاب آهنی رواندخت روی یخ
 و کشید... اولین قالب یخ رو از دهانه
 تانکر، انداخت توی آب... به نفر از توی
 صف جماعت معترضش شد که از کله
 سحر تا حالا ایستادم برا دوتا قالب یخ،
 مگه نوبتی نیست؟... علی گفت: اول
 نوبت گلوی تشنه پسر فاطمه(س)، بعد
 نوبت بقیه... با صاحب کارخونه یخ شرط
 کرده بود که شاگردی می کنه، خیلی هم
 دنبال مزد نیست، اما به شرط داره؟! ...
 اولین یخ تانکر رو نذری میده، بعد به بقیه
 یخ می دهد... خودش هم باخط نه چندان
 خوبش روی تانکر نوشته بود: "سلام به
 گلوی تشنه حسین(ع)...



کتاب زندگی به سبک شهید، ناصر کاوه
 برشی از زندگی فرمانده اطلاعات و
 عملیات لشکر انصارالحسین همدان، شهید علی چیت سازیان

سازیان

صفت

علی شهید

خودسازی و دوزخی از کتاب ناصر کاوه

کتاب زندگی به سبک شهید

کتاب زندگی به سبک شهید

"صدای انفجار آمد و سنگرش رفت هوا. هرچه صدایش زدیم، جواب نداد. سرش شده بود پر از ترکش. توی جیبش یک کاغذ بود که نوشته بود... گناهان هفته: شنبه: احساس غرور از گل زدن به طرف مقابل، یکشنبه: زود تمام کردن نماز شب، دوشنبه: فراموش کردن سجده‌ی شکر یومیه، سه‌شنبه: شب بدون وضو خوابیدن؛ چهارشنبه: در جمع با صدای بلند خندیدن، پنج‌شنبه: سلام کردن فرمانده زودتر از من، جمعه: تمام کردن صلوات‌های مخصوص جمعه و رضایت دادن به هفتصدتا... اسمش «ناصر حسینی» بود. تازه رفته بود دبیرستان..."

کتاب زندگی به سبک شهید ناصر کاوه
برشی از زندگی شهید ناصر حسینی

حسینی
ناصر
سکیر

خودسازی و دورویی از کتاب ناصر کاوه

کتابخانه حضرت زین العابدین

کتابخانه حضرت زین العابدین

خودسازی و تربیت اخلاقی به سبک شهدا

۱- استفاده هوشمندانه از اسلحه اشک

یکی از مهارت های بسیار مهم و اثر بخش در سلوک معنوی شهدا، استفاده بهینه و هوشمندانه از اسلحه اشک و انابه به درگاه الهی است، مهارت بسیار زیبا و اثربخشی که جلوه های ناب و زیبایی آن را به خوبی می توان در صفحه های زندگی و سیره شهدا مشاهده کرد. اسلحه اشک و گریه به درگاه الهی انسان را از جاده های انحرافی و ممنوعه باز می دارد و طراوت و شادابی معنوی منحصر به فردی را در روح و باطن زندگی جاری و ساری می نماید، در واقع گریه کردن به درگاه الهی نوع خاصی از توبه و انابه و استغفار به شمار می آید که موجب تصفیه و پالایش روح از زنگارهای اخلاقی می شود، در اهمیت گریه به درگاه الهی روایات فراوانی نقل شده است که شاید بسیاری از افراد از اهمیت آن غافل باشند،

پرای نمونه در منابع روایی از امام سجّاد (علیه السلام) نقل شده است: «مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَتَيْنِ قَطْرَةَ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَطْرَةَ دَمْعَةٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ لَا يُرِيدُ بِهَا عَبْدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ ... بحار الأنوار (ط- بیروت) ج ٦٦ ، ص ٣٧٨، ح ٣١. هیچ قطره ای نزد خدا محبوبتر از این دو قطره نیست: قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و قطره اشکی که برای خدا در دل شب فرو افتد».

راه اشک!

در خاطرات و احوالات شهید گرانقدر جناب علی چیت سزایان، فرمانده اطلاعات عملیات لشکر ٣٢ انصار الحسین (علیه السلام) نقل شده است: روزی خواب مصیب، معاونش را دیده بود و حال غریبی داشت، بهش گفته بود: «خیلی دلتنگ تون شده ام، هم دلتنگ تو، و هم دلتنگ بقیه شهدای واحد» می گفت «التماسش کردم و پرسیدم از کدام راه کار رفتی که به این مقام رسیدی؟ شهید مجیدی هم گفته بود: «راه اشک!» از همان روزی که این خواب زیبا و رویای صادقانه را دیده بود تا صبح شهادتش روز و شبی نبود که چشم هایش خیس اشک نباشد، به بهانه گریه برای امام حسین (علیه السلام)، نماز و مناجات با خدا، و نماز شب... منبع: راوی به نقل از شهید چیت ساز، دلیل، حمید حسام، انتشارات صریر، ص ٢٠٤.

۲- محاسبه و حسابرسی به سبک شهدا

یکی دیگر از ابزارها و مهارت های تربیت اخلاقی در سیره و سلوک شهدا استفاده کاربردی و اثربخش از توان محاسبه و حسابرسی در زندگی است. به طور قطع و یقین اگر هر انسانی آنچنان که مال و دارایی خود را بررسی و محاسبه می نماید، وقت مشخصی از زندگی خود را به امر بررسی عملکرد روزانه خود قرار می داد بسیاری از موانع خطرناک اخلاقی از مسیر سلوک معنوی او برداشته می شد، در اهمیت و ارزش محاسبه و حسابرسی در مناوچ روایی از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: «لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يُحَاسِبُ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسَبَةِ الشَّرِيكِ شَرِيكِهِ... مكارم الاخلاق ص ٤٦٨.

آدمی از پرهیزگاران نمی شود مگر اینکه حسابرسی او از نفسش سخت تر از حساب کشیدن او از شریکش باشد... صدای ضجه و ناله اش را می شنیدم نزدیک نمی رفتم، از همان ته قبرستان هم شنیده می شد، ساعتی بعد می آمد بیرون، به خودش نهیب می زد و می گفت: آقا رسول! فکر کن مرده بودی، یه بار دیگه زنده شدی! حالا که داری می ری حواست رو جمع کن تا دیگه اشتباه نکنی و مرتکب گناه نشی...

نامه عمل؟

همسر شهید محمد علی خورشاهی، قائم مقام فرمانده گردان کوثر لشکر ٥ نصر، در خصوص سلوک معنوی همسرش این چنین بیان می کند: «یک شب کاغذی را از جیبش در آورد، علامت زد و گذاشت کنار. بعد گفت: «خانوم! بیا بشین این جا باهات کار دارم». کاغذ را نشانم داد و گفت: تا الان این کاغذ رو دیده بودی؟ با تعجب گفتم نه چی هست؟! چرا این قدر خط خطیه؟! گفت نامه عملمه، حساب و کتاب کارامه، می خوام حسابش رو داشته باشم، بدونم صبح تا شب دل چند نفر رو شکستم، با چند نفر خوب بودم، چه کار کردم، چه کار نکردم همه اش رو این تو می نویسم. گفتم به تو هم نشون بدم شاید خوشتر بیاد و برای خودت درست کنی». [٤] منبع: آخرین معادله، راضیه رضا پور، انتشارات ستارها، ص ١٦٠...

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاو

۳- مبارزو «آپی جی زن» نمونه

شهادت شاخص و ممتاز همواره در عرصه دشمن شناسی، توجه خاص و جدی به دشمن درونی یعنی نفس اماره خود داشته اند، از این رو پیش از وارد شدن در میدان مبارزه و عملیات علیه دشمن خارجی وارد عرصه پیکار و کارزار با نفس خود شده اند، این روحیه مبارزه طلبی و ایستادگی در برابر هوای نفس از آنها انسانهای مقاوم و پولادینی ساخته بود، مجاهدان کوی عبودیت و بندگی حق تعالی هیچ گاه از حربه و نیرنگ هوای نفس خود غافل نیستند و فریفته ی نجوهای شیطانی آن نمی شوند چرا که به خوبی می دانند اندکی غفلت می تواند مساوی یک عمر پشیمانی و عقب ماندگی شود، در اهمیت توجه به هوای نفس در فرهنگ قرآن از یوسف نبی (علیه السلام) این چنین می آموزیم: «وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ...» سوره مبارکه یوسف، آیه ۵۳. من هرگز خودم را تبرئه نمی کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است».

باید اولین موشک را به خودمان بزنیم!؟

اولین شلیک را باید به خودش بزند در قسمتی از وصیت نامه اخلاقی، عرفانی شهید حسین بصیر، قائم مقام لشکر ۲۵ کربلا نقل شده است: انسان موقعی می تواند خود را یک رزمنده به حساب آورد که بتواند واقعاً با درون خودش بجنگد، یک «آپی جی زن» اول باید گلوله آپی جی را به نفس خود بزند. اولین شلیک را باید به خودش بزند؛ به نفسش بزند تا بتواند شلیک های بعدی را به دشمن متخاصم و نابکار بعثی و متجاوز داشته باشد... منبع: کتاب خودسازی به سبک شهدا



۴- پادزهری برای فراموشی های مرگبار

بدون شک همه ما انسان ها شاهد و ناظر مرگ بسیاری از اطرافیان و نزدیکان خود بوده ایم، ولی با این وجود آنچنان که شایسته است، مرگ و زندگی ابدی را برای خود تجسم نکرده ایم، از این رو همواره سبک و سیاق زندگی ما به جای آنکه رنگ و بوی الهی و آخرتی به خود بگیرد، شکل و شمایل مادی و دنیوی دارد، دغدغه های ما به جای اینکه دغدغه های بهشتی باشد، دغدغه مادی و دنیوی است، گویی قرار است که تا ابد در این سرای خاکی زندگی کنیم و هیچ گاه فرشته مرگ به سراغ ما نخواهد آمد، این فراموشی غفلت مرگبار خود زمینه ساز حرص و طمع های شیطانی در زندگی بسیاری از انسان ها شده است، از این رو برای در امان ماندن از تبعات شوم دنیا طلبی اساتید اخلاق و معرفت نفس همواره داروی معاد باوری و تقویت ایمان به حیات ابدی را تجویز کرده اند: «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ...» سوره مبارکه نساء آیه ۷۸ هر جا باشید، مرگ شما را درمی یابد؛ هر چند در برجهای محکم باشید!».

عمر دوباره!؟

در احوالات شهید عبد الرسول صفری نقل شده است: «صبح جمعه هر هفته با عبد الرسول می رفتیم قبرستان رضوانیه، او می رفت یک قبر خالی پیدا می کرد، می خوابید داخلش و با خدا حرف می زد، صدای ضجه و ناله اش را می شنیدم نزدیک نمی رفتم، از همان ته قبرستان هم شنیده می شد، ساعتی بعد می آمد بیرون، به خودش نهیب می زد و می گفت: آقا رسول! فکر کن مرده بودی، یه بار دیگه زنده شدی! حالا که داری می ری حواست رو جمع کن تا دیگه اشتباه نکنی و مرتکب گناه نشی»... منبع: کتاب معجزه های کوچک

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاوی

الله

"نامه ای جالب از شهید شیرودی"

از: خلبان علی اکبر شیرودی
به: پایگاه هوانیروز کرمانشاه
موضوع: گزارش

اینجانب "علی اکبر شیرودی" که خلبان پایگاه "هوانیروز کرمانشاه" می باشم و تاکنون برای احیای اسلام و حفظ مملکت اسلامی در کلیه جنگها شرکت نموده ام، و منظوری جز پیروزی اسلام نداشته و به دستور رهبر عزیزم به جنگ رفته ام. لذا تقاضا دارم "درجه تشویقی" که به اینجانب داده اند، "پس گرفته" و مرا به درجه ستوان یارسومی که قبلاً بوده ام برگردانید... در صورت امکان امر به رسیدگی این درخواست فرمائید. باتقدیم احترامات نظامی،
"خلبان علی اکبر شیرودی"

شهید علی اکبر شیرودی در شیروود تنکابن به دنیا آمد. در سال پنجاه و یک وارد ارتش شد و با درجه ستوانیاری از دانشکده نظامی فارغ التحصیل شد. شهید شیرودی بالاترین ساعت پرواز در جنگ را در جهان داشت و با بیش از چهل بار سانحه و بیش از سیصد مورد اصابت گلوله به هلیکوپترش ولی باز هم سرسختانه میجنگید. شیرودی در هشتم اردیبهشت سال شصت پس از انجام مأموریت خود در منطقه بازی دراز شهید شد و پیکرش در گلزار شهدای شیروود به خاک سپرده شد...

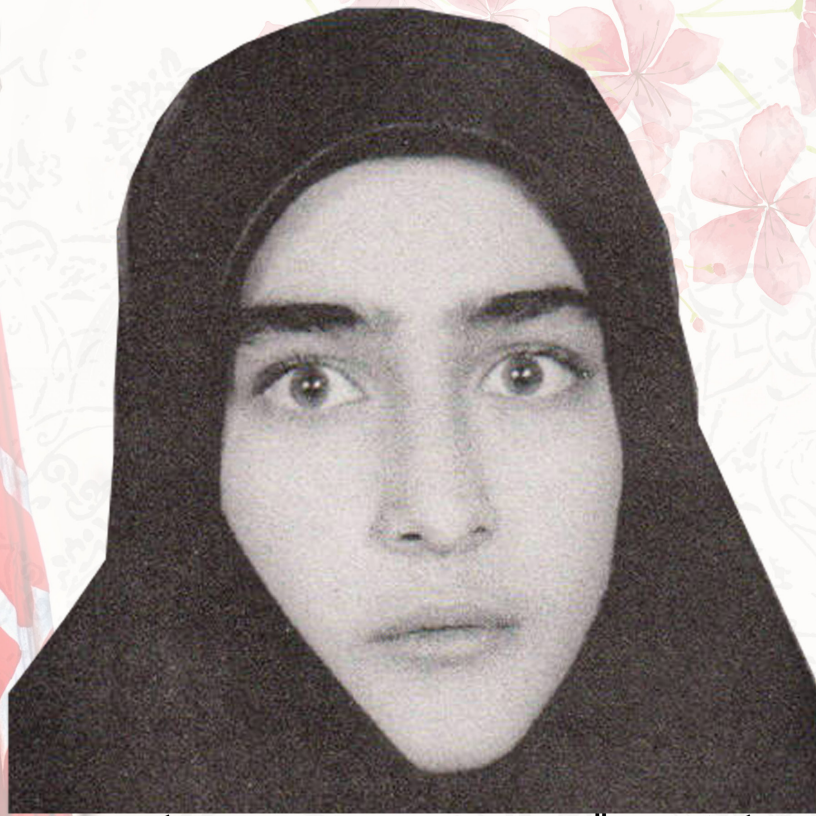
کتاب کشکول خاطرات دفاع مقدس، ناصر کاوه

شیرودی
علی اکبر
شهید

سازگی و خردگی از کلاه ناصر کاوه

پایگاه آگاه





"شهیده راضیه کشاورز"، دختری نوجوان است که تمام تلاشش را به کار می‌بندد تا در زندگی اول باشد ... در شانزدهمین بهار عمرش حادثه‌ای رخ میدهد و او را در رسیدن به خواسته‌اش کمک می‌کند. انفجاری که در سال ۱۳۸۷ در حسینیه سیدالشهدای شیراز رخ داد، نقطه اوج زندگی او را رقم زد. مادر بزرگوارش می‌گوید، سوم راهنمایی راضیه بین خودش و خدا عهده‌ی بسته بود که بعد از شهادتش تو وسایلتش، داخل جعبه اسماء متبرکه پیداش کردم. خلاصه کوتاهی از این عهدنامه: «... بی حساب پیش، انشاء... به امید خدا و توکل به خدا چهل روز تمام کارم و خالصانه انجام بدم تا خدای مهربون از سر تقصیرات ما بگذرد و گناهامو ببخشه. توی این چهل روز که از ۸۵/۳/۵ شروع می‌شه توفیق پیدا کنم مادام‌العمر دعای عهد و زیارت امین‌الله و ... را بخوانم و گریه کنم ... آقا تو رو خدا توفیق اشک ریختن تو این دعاها را به من بده و شب هم به یاد حضرت زهرا (س) شبی ۵ صفحه قرآن بخوانم؛ ان شاءالله تکرار آیه الکرسی هم توی بیشتر اوقات نصیبم بشه؛ و شکر نعمت‌های خدا و توفیق آلوده نشدن به گناه و نابود کردن نفس اماره و تقویت نفس لواحه را داشته باشم و تسبیحات خانم فاطمه زهرا (س) را همراه با الگو برداری از حجاب، عفاف، ادب و اخلاق ایشان را سر لوحه‌ی زندگی خودم قرار دهم.»

کتاب زندگی به سبک شهدا، ناصر کاوه

شهیده راضیه کشاورز

مخبر سازگی و خنجر زنی **شماره ۱** گناه، ناصر کاوه

پایه هفتم آذرگانه

شهید محمد هادی امینی دفترچه ای برای خودسازی داشت

شهید محمد هادی امینی یکی از جوان ترین شهدای کشورمان است که این روزها تصویر او را با آن چهره باصفا و بی ریا در بسیاری از شبکه های اجتماعی می بینیم. این بسیجی پاسدار که متولد بهمن ۱۳۷۸ بود، به عنوان یکی از مربیان جهادی تهران حین انجام مأموریت آموزشی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و سحرگاه چهارشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۰ در حالی که دستش در دستان پدرش بود به شهادت رسید. پیکر پاک این شهید عزیز پس از طواف از مقابل مزار عمومی شهیدش مسعود امینی که از شهدای دوران دفاع مقدس بود، بنا به وصیتش در قطعه ۵۰ بهشت زهرا (س) در پایین قبر شهید مدافع حرم معزغلامی آرام گرفت.

هادی عاشق ولایت بود

هادی تنها فرزند خانواده ما بود و متولد بهمن ۱۳۷۸. شخصیت عادی و آرامی داشت. روحیاتش مثل بچه های هیئتی و بسیجی بود و عاشق ولایت. شاخصه هایی هم داشت و دور از هیجانان کاذب بود. جوان با اخلاق و فوق العاده مؤدبی بود و در این چندین سال ندیدم از الفاظ زشت و بی ادبانه ای در صحبت هایش با اعضای خانواده یا دیگران استفاده کند. رابطه اش با خانواده و بچه های هیئت و مسجد بسیار صمیمی و خوب بود. هادی می گفت: برای پاسدار نمونه شدن باید جدی درس بخوانیم هادی در مدارس نمونه دولتی تحصیل می کرد تا اینکه دانشگاه اراک در رشته مهندسی مکانیک قبول شد ولی علاقه زیاد هادی به پاسدار شدن باعث شد دانشگاهش را ترک کند و جذب دانشگاه امام حسین (ع) شود. درس های مربوط به دانشگاه امام حسین (ع) را خیلی جدی مطالعه می کرد. وقتی دوستان هادی به او می گفتند ما هم نیروی ویژه نظامی هستیم ولی تو چقدر در مطالعه دروس وقت می گذاری، در جواب می گفت: «برای پاسدار نمونه شدن باید درس ها را جدی مطالعه و دنبال کنیم.» علاقه به مطالعه از همان بچگی در هادی شکل گرفت. از جمله ویژگی هایی که هادی داشت وقتی تصمیم به انجام کاری می گرفت، در کارش ثابت قدم بود و خیلی با قاطعیت هدفش را دنبال می کرد. برای زمان هم خیلی ارزش قائل بود و نمی گذاشت زمانش بیهوده به هدر رود و از نکات مهم دیگری که در رفتار هادی دیده بودم داشتن تقوا و نظم بود و در حفظ کردن چشمش از نامحرم کوشا بود و نیز در کارهایش خیلی منظم بود و بیشتر تشویق هایش در دانشگاه به خاطر داشتن نظمش در چینش کارهایش بود. هادی در خواندن زیارت عاشورا و دعای عهد مداومت داشت و هیچ وقت خواندن آن ها را ترک نکرد.

جدول هفتگی!؟

هادی یک جدول هفتگی برای خواندن دعا های شبانه خودش داشت که آن جدول را با دستخط خود به یادگار گذاشته است. به عنوان نمونه نوشته بود: شنبه ها خواندن حدیث کساء، یک شنبه ها خواندن زیارت عاشورا، دوشنبه ها خواندن زیارت امین الله، سه شنبه ها خواندن دعای توسل و چهارشنبه هر هفته خواندن دعای مجیر و پنج شنبه ها خواندن دعای کمیل و جمعه ها خواندن دعای آل یاسین. در خصوص خود سازی نفس، آقا هادی دفترچه ای برای خودش داشت که لیست کار های روزانه ای را که باید انجام می داد در آن یادداشت کرده بود. شرحش به این ترتیب بود، مراتب خود سازی نفس: قرائت روزانه قرآن، دعای عهد که صبح ها باید خوانده شود و پنج مرتبه تسبیحات است و صد مرتبه ذکر روز، حتی شهادتین و استغفار نیز در آن اشاره شده بود. همچنین به نماز اول وقت و نماز قضا و سوره واقعه که هر شب تکرار می کرد و دعای شبانه و حکمت از نهج البلاغه را جزو مطالعات خود قرار داده بود. از دیگر مواردی که در دفترچه خودسازی نوشته بود، ورزش کردن بود.

امر به معروف و نهی از منکر برای آقا هادی مهم بود

نامگذاری شبستان مسجد محله مان به عنوان «گنج هادی» به موضوع امر به معروف و نهی از منکر برمی گردد. این فریضه خیلی برای آقا هادی مهم بود. پایگاه بسیج مسجد محله می گفتند وقتی در پایگاه می خواستیم تذکر بدهیم و مطلبی را به نونهالان و نوجوانان آموزش دهیم، آقا هادی به صورت تک تک، بچه ها را به شبستان مسجد می برد و چهره به چهره با آن ها صحبت می کرد و این مسئله برای آقای هادی مهم بود اگر نکته و تذکری در باب امر به معروف و نهی از منکر قرار است گفته شود آن را به صورت تنهایی و محرمانه با آن نونهال و نوجوان ها مطرح می کرد تا خدای نکرده آبروی کسی نرود. یا آن کسی که مورد امر به معروف یا نهی از منکر قرار گرفته بود جبهه نگیرد و نتیجه عکس حاصل نشود.

خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاوی

من را در قطعه ۵۰ پایین پای حاج حسین معز غلامی خاک کنید!

پسرم به شهید حسین معز غلامی خیلی علاقه مند بود. هر هفته پنجشنبه ها به زیارت قبر این شهید بزرگوار می رفت و حتی در چند جای دفترچه اش یادداشت کرده بود: «ان شاءالله من را در قطعه ۵۰ پایین پای حاج حسین معز غلامی خاک کنید».

همین طور ارادات ویژه ای به شهید مصطفی صدرزاده داشت. تصاویر سردار شهید همدانی و شهید بیضایی را هم به دیوار اتاقش نصب کرده بود. اما شهیدی که هادی ارادت خاصی به خانواده اش داشت، شهید آقا عبداللهی بود. شهید مدافع حرمی که پیکرش هنوز برنگشته است. شهید مسعود امینی عموی هادی هم تأثیر بسیاری روی خانواده و نزدیکان و از جمله آقا هادی گذاشته بود.

سعی می کرد رفتار و سکنات شهدا را در خود ایجاد کند

هادی کتاب های شهدا از جمله شهدای مدافعین تا دفاع مقدس را مانند کتاب «سلام بر ابراهیم» معروف تا بقیه شهدا را مطالعه می کرد. اگر هادی کتاب شهیدی را مطالعه می کرد سعی می نمود تمام رفتار، ویژگی و سکنات آن شهید را در خود ایجاد کند.

سری دوم مطالعه کتاب هایش در حوزه تربیت و مربی فرهنگی از جمله مرحوم حجت الاسلام صفایی حایری بود و بخش بعدی مطالعاتش مربوط به مدیریت استراتژیکی به قلم حضرت آقا بود که خیلی اصرار داشت و می گفت یک مربی خوب باید یک مدیر فرهنگی خوب باشد و برایش اولویت داشت که این کتاب را مطالعه کند.

برای فعالیت های جهادی به مناطق فقیرنشین حاشیه تهران می رفت

برخی از اردو هایی که هادی می رفت مناطق فقیرنشین حاشیه تهران بود و برخی دیگر از اردو های جهادی اش در مناطق دورافتاده مانند منطقه سیل زده شهرستان های لرستان و مناطق سیل زده خوزستان و سوسنگرد و اهواز بود. مدتی هم در زمینه تهیه تأمین دارو برای نیازمندان فعالیت می کرد.

نحوه شهادت

هادی از نیرو های ویژه سپاه بود. حین آموزش های خاص با مهمات جنگی بودند که هنگام تمرینات میدانی مورد اصابت گلوله قرار گرفته و حدود ۲۴ ساعتی مورد مداوا قرار می گیرد، ولی به دلیل خونریزی زیاد ناشی از اصابت گلوله، سحرگاه ۱۳ مرداد امسال هنگام اذان صبح به شهادت می رسد.



خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاوی



من در سنگر هستم، در این خانه محقر، در این خانه فریاد و سکوت، ... در این سرد و گرم، سردی زمستان و گرمای خون، در این خانه ساکن و پرجوش و خروش، سکون در کنار رودخانه و هیجان قلب و شور شهادت، خانه نمناک و شیرین، کوچکی قبر و عظمت آسمان، امشب پاس دارم. چه شب با شکوهی است! من به یاد انس علی بن ابی طالب با تاریکی شب و تنهایی او می افتم. او با این آسمان پرستاره سخن می گفت. سر در چاه نخلستان می کرد و می گریست. در همین تاریکی شب، علی برمی خاست و به نخلستان می رفت. فاطمه وضو می گرفت، پیامبر به سجده می رفت و حسن و حسین به عبادت می پرداختند. این خانه کوچک است، این سنگر، این گودی در دل زمین، این گونه های بر هم تکیه داده شده، پر از حرف است، فریاد است، غوغاست ... صدای پر محبت اصغر و حرف زدن آرام رضا و خوش زبانی منصور؛ بغض گلویم را گرفته، قطرات اشکم هدیه تان باد. تنهایی عمیق ترین لحظات زندگی یک انسان است. خدایا! این خانه کوچک را برای من مبارک گردان؛ در این چند روز با خاک انس گرفته ام، بوی خاک گرفته ام ... راستی چه خوب است از این فرصت استفاده کنم و با قرآن آشنا شوم. آیات خدا را بخوانم و بعد حفظ کنم و سپس زمزمه کنم و بعد شعار زندگی کنم. باشد تا این دل پرهیجان و طپش را آرامش دهد و بعد با این برای خود توشه سازم و توشه را راهی سفرم گردانم و در انتظار شهادت بمانم و بمانم. آیات جهاد را، شهادت، تقوا، ایمان، ایثار، اخلاص، عمل صالح ... همه را پیدا کنم تا سنگر کلاس درسم باشد و میعادگاه ملاقاتم با خدا شود، سنگرم محرابم گردد، سنگرم خانه امیدم شود و قبله دومم گردد. در این خانه کوچک که انتخاب کردم، لحظات در روزها به گونه ای می گذرد و شبها به گونه ای دیگر... قسمتی از مناجات شهید علم الهدی، آذر ۵۹، هویزه کتاب زندگی به سبک شهدا، ناصر کاوه

شهید سیدحسین

علم الهدی

خود سازی و خردی از گناه، ناصر کاوه

بیت اول

سربازیش را باید داخل خانه جناب
سرهنگ ارتش شاه می‌گذرانند... وارد خانه
شد و چشمش به زن نیمه عریان سرهنگ
افتاد، بدون معطلی پا به فرار گذاشت و
خودش را برای جریمه ای که انتظارش را
می‌کشید، آماده کرد... جریمه اش تمیز
کردن تمام دستشویی های پادگان بود.
هیجده دستشویی که در هر نوبت، چهار
نفر مامور نظافت شان بودند!... هفت روز
از این جریمه سنگین می گذشت که
سرهنگ برای بازرسی آمد و گفت: بچه
دهاتی! سر عقل اومدی؟!... عبدالحسین
گفت: این هیجده توالت که سهله، اگه
تا آخر سربازی هم کارم همین باشه؛ با
کمال میل قبول می کنم؛ ولی دیگه نوی
اون خونه پا نمیذارم...

کتاب زندگی به سبک شهدا، ناصر کاوه
خاطره ای از سرتیپ پاسدار شهید عبدالحسین برونسی
فرمانده تیپ جواد (الف)ع

برونسی
عبدالحسین
سرتیپ

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاوه

کتابخانه حضرت زین العابدین

بازگشت از گناه

هادی وصیتنامه خود را یک سال قبل از شهادتش نوشته بود

هادی وصیتنامه خود را یک سال قبل از شهادتش نوشته بود. نیمی از وصیتنامه اش را درباره خواهر کوچکش نوشته و تأکید کرده بود: «آنقدر سن شهادت من طولانی نمی شود و به تعویق نمی افتد که سن خواهرم به سمت نوشتن برود».

باید بگویم سه ماه قبل از شهادت، آقا هادی بسیار متواضع شده بود. اگر قبلاً در مورد خواسته هایی که داشت ما مخالفت می کردیم در این چند ماهه آخر پذیرش بالایی داشت و وارد صحبت و بحث نمی شد.

در دوشب آخر عمرش قبل از شهادت یکی از همزمانش می گفت هادی بسیار آشفته بود، از او پرسیدم هادی چقدر آشفته هستی؟ گفت: «من قراری با خودم گذاشته بودم که به هیچ کس وابسته نشوم ولی الان وقتی برای مأموریت و آموزش می روم دلم برای بچه های پایگاه های بسیج و هیئت و واحد فرهنگی تنگ می شود. این کارم با اصولی که با خودم گذاشته ام همخوانی ندارد.» این نشان می داد خود شهید با خودش توافق کرده بود که هیچ وابستگی به کسی نداشته باشد تا راحت تر بتواند به هدفش برسد.

شهادت را خیلی مجدانه دنبال می کرد

در برگه ای برای خودش یک قسم نامه نوشته بود که با خون و رفیق شهیدش عهد می بندد هیچ گاه از نفس خود غافل نشود و در واقع از شهدا کمک می خواهد در این راه مساعدت کنند و خودش هم به همین هدف برسد. هادی در یک نوشته مربوط به چند ماه قبل از شهادتش آورده بود: «خدایا! دوست دارم هرچه زودتر به آغوش گرم تو برسم.» و هادی شهادت را خیلی مجدانه و مانند خواسته های دیگرش دنبال می کرد.

حضرت زهرا (س) بالای سرم بود

مربی آقا هادی ۲۴ روز بعد از شهادت پسرم خوابی را برای ما نقل کرد. می گفت آقا هادی را در خواب دیدم که مانند شهید ترک خیلی آرام و با وقار است. ابهتی که پیدا کرده بود قابل وصف نیست. من گفتم محمد هادی آن روز چرا آنقدر بی تابی کردی؟

تو که خوب شده بودی و چشم هایت را باز و با من صحبت کردی، چرا رفتی؟

محمد هادی گفت آن لحظه که شما آمده بودید قبلش حضرت زهرا (س) بالای سرم بود. می خواستم بروم، اما یکدفعه پدرم و بعد شما آمدید. دیدم آن خانم نیست و خیلی ناراحت شدم و التماس کردم که دوباره آن لحظات خوب را داشته باشم و گفتم دیگر نمی خواهم در این دنیا باشم و می خواهم پیش شما باشم که خانم حضرت زهرا (س) هم قبول کردند. بعد در همان خواب آقا هادی به مربی اش گفته بود: «شما ناراحت من نباشید، اینجا خیلی خوب است. حتی از آن چیزی که اطلاع داشتم خیلی بهتر است.»

راوی: پدر شهید - اقتباس از خبرگزاری فارس

راس امور تهذیب نفس است.



زی طلبگی در بیانات امام خمینی (ره) | ۱

تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را، از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید، شما نمی توانید دیگران را تهذیب کنید. آدمی که خودش آدم صحیحی نیست نمی تواند دیگران را تصحیح کند، هر چه هم بگوید فایده ندارد.

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی



زندگی به سبک شهید عبدالمهدی مغفوری

شهید مغفوری مسئول تبلیغات لشکر ۴۱ ثارالله به فرماندهی شهید سلیمانی می شود. مسئولیت مغفوری در عملیات کربلایی ۴ تجهیز و هدایت قایق ها تا نزدیک منطقه عملیاتی «کربلای ۴» بود و از آنجا که این عملیات با سختی و دشواری روبرو شد مجبور به بازگشت به خرمشهر شدند و سرانجام در حالی که معاونت ستاد لشکر ۴۱ ثارالله را بر عهده داشت در همین عملیات بر اثر بمباران منطقه توسط هواپیماهای دشمن، به شهادت رسید. شهید مغفوری به عشق امام زمان (عجل) نامش را عبدالمهدی گذاشتند. زمانی که نوزاد بود سخت مریض شد به ابوالفضل علیه السلام متوسل شدند تا بهبود یافت. شهدا، شهدایی زندگی می کنند و مغفوری نیز از این قائده استثنا نبود. مغفوری نیمه های شب بیدار می شد، وضو می گرفت و نماز شب می خواند. از ۱۲ سالگی اذان، دعای سحر و ادعیه و قرآن می خواند...

دوستانش به او عبدالله می گفتند. و از اولین کسانی بود که با شنیدن نام امام خمینی (ره) صلوات می فرستاد. با پیروزی انقلاب به عضویت سپاه درآمد و به کردستان اعزام شد. آیت الله سید کمال موسوی عارف به او لقب مجسمه تقوا داده بود. در همه حال و در هر شرایطی اذان می گفت و هنگام تشییع و دفنش موقع اذان بود؛ برخی صدای اذانش را از تابوت شنیدند. در نماز خضوع و خشوع ویژه ای داشت در جلسه استانداری صندلی را کنار زد و به نماز ایستاد. هر کاری را با بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ شروع و با الْحَمْدُ لِلّٰهِ تمام می کرد. دوستان و همکاران را مؤمن خطاب می کرد و در حضور او غیبت ممنوع و با ادب تذکر می داد...

منبع: به گزارش خبرنگار فرهنگی حیات

خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

"مکتب شهید، حاج قاسم سلیمانی"

نوی یکی از عملیات که سردار سلیمانی حضور داشتند یکی از رزمنده ها برای دست بوسی سردار جلو رفت. دست حاج قاسم رو گرفت تا اومد ببوسه حاج قاسم، پیش دستی کرد و زودتر دست رزمنده رو بوسید... یک روز از ماه را نذر یک جانباز ۷۵ درصد کرده بود. می رفت نجف آباد اصفهان، تمام کارهای جانباز را انجام می داد، از حمام بردن تا شستن لباس و نظافت. سوره که خبر شهادت جانباز را دادند، یک نفر را مأمور کرد برود نجف آباد تا هم در مراسم شرکت کند و هم کاری روی زمین نماند... هیچ وقت ندیدم نماز شب شهید سلیمانی قطع شود. آنهم نه نماز شبی عادی، نماز شب‌های او همیشه با ناله و اشک و اندوه به درگاه خدا بود. من با شهید سلیمانی رفت و آمد داشتم حتی بارها در منزلشان خوابیدم، اتاق مهمانان با اتاق حاج قاسم فاصله داشت اما من با اشک‌ها و صدای ناله‌های او برای نماز بیدار می‌شدم...

کتاب من قاسم سلیمانی هستم، ناصر کاوه

سلیمانی
قاسم
شهید

خود سازی و دورویی از کلاه ناصر کاوه

کتاب من قاسم سلیمانی هستم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

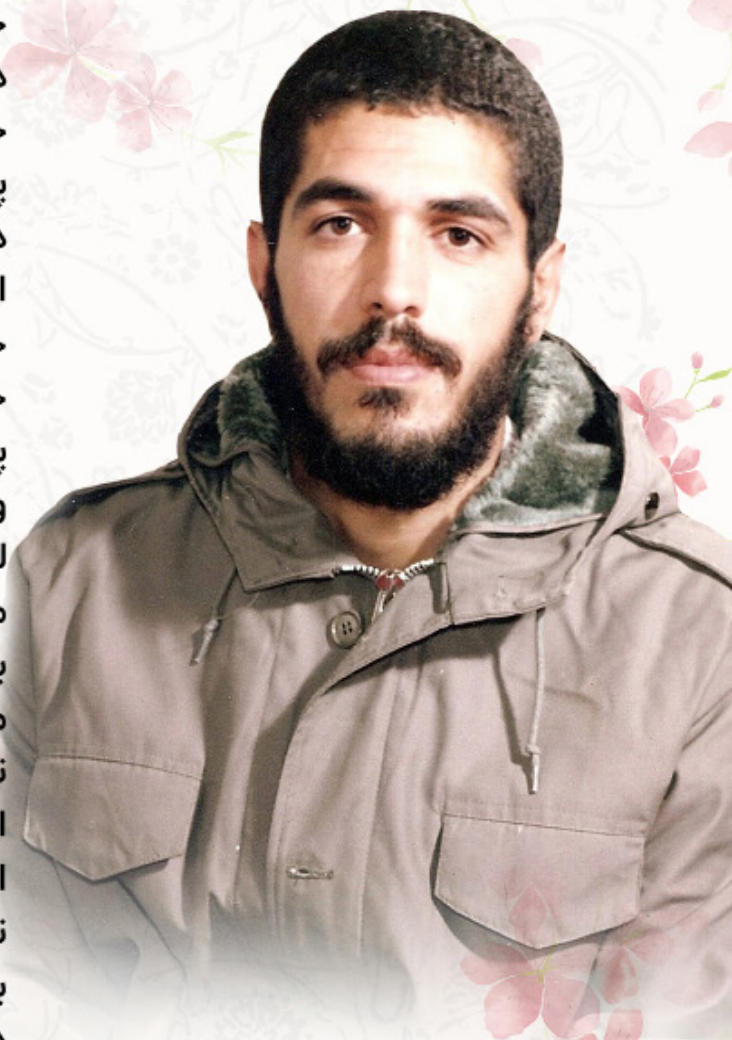
«پلاستیک به جای ساک ورزشی»

حدود سال ۱۳۵۴ بود و مشغول تمرین بودیم که ابراهیم وارد سالن شد... یکی از دوستان هم بعد از او وارد سالن شد و بی مقدمه گفت: داداش ابراهیم، تیپ وهیکلت خیلی جالب شده. وقتی داشتی تو راه می اومدی دوتا دختر پشت سرت بودن و مرتب از تو حرف می زدن، شلوار و پیراهن شیک که پوشیده بودی و از ساک ورزشی هم که دستت بود، کاملاً مشخص بود ورزشکاری... ابراهیم با شنیدن این حرفها یک لحظه جا خورد. انگار توقع چنین حرفی را نداشت و خیلی توی فکر رفت. ابراهیم از آن روز به بعد پیراهن بلند و شلوار گشاد می پوشید و هیچ وقت هم ساک ورزشی همراه نمی آورد و لباس هایش رو داخل یه کیسه پلاستیکی می ریخت. هرچند خیلی از بچه هامی گفتند: باباتو دیگه چه جور آدمی هستی؟! اما باشگاه میائیم تا هیکل ورزشکاری پیدا کنیم و...، تو با این هیکل روی فرم این چه لباس هایی است که می پوشی؟ ابراهیم هم به حرفهای اونها اهمیتی نمی داد و به دوستانش توصیه می کرد: اگر ورزش رو برای خدا انجام بدین عبادت است و اما اگر به هر نیت دیگری باشین ضرر خواهید کرد. البته ابراهیم در جاهای مناسبی از توانمندی بدنیش استفاده می کرد....

کتاب کشکول خاطرات دفاع مقدس، ناصر کاوه

هاری

ابراهیم سکندر



سازی و خردی از گناه، ناصر کاوه

بازگشت از گناه

فرار از گناه

مشغول تمرین بودیم که ابراهیم وارد سالن شد. یکی از دوستان هم بعد از او آمد و بی مقدمه گفت: «دانش ابرام، تیپ و هیكلت خیلی جالب شده. وقتی داشتی تو راه می‌اومدی دو تا دختر پشت سرت بودن و مرتب داشتن از تو حرف می‌زدن، شلوار و پیراهن شیک که پوشیده بودی، از ساک ورزشی هم که دستت بود، کاملاً مشخص بود ورزشکاری)...»

از آن روز به بعد پیراهن بلند و شلوار گشاد می‌پوشید. هیچ وقت هم ساک ورزشی همراه نمی‌آورد و لباس هایش را داخل کیسه می‌ریخت. هر چند خیلی از بچه‌ها می‌گفتند: «بابا تو دیگه چه جور آدمی هستی! ما باشگاه می‌یایم تا هیكل ورزشکاری پیدا کنیم و لباس تنگ بپوشیم. اما تو با این هیكل قشنگ و رو فرم، آخه این چه لباس هایی که می‌پوشی!... ابراهیم به دوستانش توصیه می‌کرد که: اگه ورزش رو برای خدا انجام بدین می‌شه عبادت، اما اگه به هر نیت دیگه‌ای باشین ضرر می‌کنین...» خاطره‌ای از زندگی شهید ابراهیم هادی، سلام بر ابراهیم

شهید برونسی

قبل از انقلاب رفت سربازی. جناب سرهنگ گفته بود خدمت رو باید در منزل من بگذرانی. کارش این بود که کارهای منزل سرهنگ رو انجام بده. به محض ورود به منزل، دید همسر سرهنگ وضع زننده‌ای داره. سریع از خونه زد بیرون و برگشت پادگان. سرهنگ برای این کارش تنبیه اش کرد. هجده توالت رو باید به تنهایی می‌شست. بعد از یک هفته از گذشت این تنبیه سرهنگ اومد و گفت: حالا دوست داری برگردی تو خونه‌ی من کار کنی یا نه؟... عبدالحسین بهش گفت: اگه تا آخر خدمت مجبور باشم همه‌ی کثافت‌های توالت رو در بشکه خالی کرده و به بیابان بریزم، باز هم پا توی خونه‌ی شما نمی‌ذارم. بیست روز دیگه هم این تنبیه ادامه پیدا کرد. تا اینکه مسئولین پادگان خودشون خسته شدن و رهایش کردند....

خاطره‌ای از شهید برونسی منبع: خاک‌های نرم کوشک ص ۱۸

دوری از گناه

از همان کودکی، به بچه‌ها یاد داده بودیم که به شدت از گناه دوری کنند. مثلاً اگر قرار بود به مجلس عروسی برویم و مجبور بودیم در آن عروسی برویم به خاطر صله رحم، موقع شام می‌رفتیم که تمام شده باشد. در رادیو و تلویزیون هم اگر احساس می‌کردیم که موسیقی‌ای پخش می‌شود که شرعاً گوش دادنش صحیح نیست، صدا را قطع می‌کردیم و اینها باعث می‌شد که رسول، مسایل دینی را بیاموزد یاد می‌آید یک بار زمانی که بچه بود، سوار تاکسی شدم و راننده موسیقی حرام گذاشته بود. یکهو دیدم رسول گوش هایش را گرفته و سرش را بین دستانش پنهان کرده و انداخته پایین. گفتم: چیه مامان!!! گفت: گناه دارد نمی‌خواهم بشنوم.

برشی از زندگی شهیدمدافع حرم رسول خلیلی

شهید حسن باقری

اگر بین بسیجی‌ها حرفی می‌شد می‌گفت: برای این حرف‌ها به هم تهمت نزنید. این تهمت‌ها فردا باعث تهمت‌های بزرگتری میشه. اگر از دست هم ناراحت شدید دو رکعت نماز بخوانید بگویند خدایا این بنده‌ی تو حواسش نبود من گذشتم تو هم ازش بگذر. این طوری مهر و محبت زیاد میشه اون وقت با این نیروها همیشه عملیات کرد. راوی: هم‌رمز شهید

گناهان هفته

صدای انفجار آمد و سنگرش رفت هوا. هر چه صدایش زدیم، جواب ندا. سرش شده بود پراز ترکش. توی جیبش یک کاغذ بود که نوشته بود...
گناهان هفته؛ شنبه: احساس غرور از گل زدن به طرف مقابل. یکشنبه: زود تمام کردن نماز شب. دوشنبه: فراموش کردن سجده‌ی شکر یومیه. سه شنبه: شب بدون وضو خوابیدن. چهارشنبه: در جمع با صدای بلند خندیدن. پنجشنبه: سلام کردن فرمانده زودتر از من. جمعه: تمام کردن صلوات‌های مخصوص جمعه و رضایت دادن به هفتصد تا. اسمش حسینی بود. تازه رفته بود دبیرستان.
منبع: کتاب آخرین امتحان، ص ۷۴

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاوی

شهید عباس بابایی

با اصرار می‌خواست از طبقه‌ی دوم آسایشگاه به طبقه‌ی اول منتقل شود. با تعجب گفتم: «به خاطر همین من رو از دزفول کشوندی تهران!» گفت: «طبقه‌ی دوم مشرف به خوابگاه دخترانه است. دوست ندارم در معرض گناه باشم». وقتی خواسته‌اش را با مسئول آسایشگاه در میان گذاشتم نیش خندی زد و با لحن خاصی گفت: «آسایشگاه بالا کلی سرقفلی داره، ولی به روی چشم منتقلش می‌کنم پایین».

شهید عباس بابایی، کتاب پرواز تا بی‌نهایت، ص ۳۵

از گناه فاصله بگیرید

همیشه می‌گفت: نباید به گناه نزدیک بشیم. باید برای خودمون ترمز بذاریم. اگر بگیم فلان کار که به گناه نزدیکه و حروم نیست رو انجام بدیم تا گناه فاصله نداریم. وقتی پیکر مسعود را آوردند، مادرش همان دم در به هم‌زمانش گفت: مسعود من رفت، خدا شما را حفظ کند. مدافع ولایت باشید. شما فریب نخورید و با آمریکا دست ندهید. مثل کسانی نباشید که در ظاهر حرف از آقا می‌زنند اما برعکس خواست ایشان عمل می‌کنند...
راوی مادر شهید مدافع حرم مسعود عسگری

نذر کنید گناه نکنید

اگر خواستید نذری چیزی کنید فقط گناه نکنید. مثلا بگید نذر میکنم یه روز گناه نمی‌کنم هدیه به حضرت صاحب الزمان از طرف مجید. یعنی از طرف من عمل رو انجام بدید برای سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان... یکی از مجرب‌ترین کارها برای آقا امام زمان اینه... برشی از زندگی حجت الاسلام شهید مجید سلیمانیان

کرامت انسان

اخلاق الهی و مکارم اخلاق در شرع مقدّس اسلام، توضیح و تفصیل داده شده است؛ چه آن چیزهایی که مربوط به خود انسان است - مثل صبر، شکر، اخلاص و قناعت - چه آنها که در رابطه با انسانهای دیگر است - مثل گذشت، تواضع، ایثار و تکریم انسانها - و چه چیزهایی که در رابطه با مجموعه جامعه‌ی اسلامی است. اخلاق اسلامی دامنه وسیعی دارد. اینها همان چیزهایی است که بیشترین تلاش همه انبیا و اولیا و بزرگان ادیان الهی - و در اسلام، تلاش نبی مکرم اسلام و ائمه و بزرگان - برای آن بوده است که اینها به وجود آید. ۱۳۷۵

آرمان خواهی شهید سید احمد رحیمی

یه روز خونه ما دعوت بودند. برای نهار دو نوع غذا درست کرده بودیم. سید احمد سریع مارو صدا کرد و گفت: مگه نمی‌دونید که زمان تحریم اقتصادی است؟ اگر دوباره دو نوع غذا درست کنید، من نخواهم خورد...
خاطره ای از زندگی سردار شهید سید احمد رحیمی، منبع: اطلاعات دریافتی از کنگره سرداران خراسان

عدالت اجتماعی

قدم بعدی تشکیل حکومت است؛ اما تشکیل حکومت، هدف نیست. نکته‌ی اساسی این جاست. تشکیل حکومت برای تحقق آرمانهاست. اگر حکومت تشکیل شد، ولی در جهت تحقق آرمانها پیش نرفت، حکومت منحرف است. این یک قاعده‌ی کلی است؛ این معیار است. ممکن است تحقق آرمانها سالهایی طول بکشد؛ موانع و مشکلاتی بر سر راه وجود داشته باشد؛ اما جهت حکومت - جهت و سمتگیری این قدرتی که تشکیل شده است - حتما باید به سمت آن هدفها و آرمانها و آرزوهایی باشد که شعار آن داده شده است و داده می‌شود و در متن قرآن و احکام اسلامی وجود دارد. اگر در آن جهت نبود، بلاشک حکومت منحرف است. معیار، این است که عدالت اجتماعی و نظم متکی بر قانون به وجود آید و مقررات الهی همه جا مستقر شود...

چنانچه مقررات الهی مستقر شد؛ نظم متکی به اسلام به وجود آمد و عدالت اجتماعی تحقق پیدا کرد، هنوز یک هدف متوسط، یا در واقع یکی از مراحل راه، طی شده است. مرحله‌ی بعد آن است که مردمی که در این نظام، به آسودگی، بی‌دغدغه و با برخورداری از عدل زندگی می‌کنند، برای تخلق به اخلاق حسنه، فرصت و شوق پیدا کنند. این، آن چیزی است که من خواستم امروز روی آن تکیه کنم و می‌خواهم این نکته را عرض کنم که بعد از تشکیل حکومت، این هدف است. بلکه بعد از تشکیل نظام عادلانه و استقرار عدالت اجتماعی و حکومت واقعا اسلامی، هدف این است. این، هدف بعدی است... ۱۹/۰۹/۱۳۷۵ - بیانات در دیدار کارگزاران نظام

سخت‌سازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی

از بورس تحصیلی مسکو تا شهادت" مدافعان حرم روز بعد از فتح مهم منطقه حواریه که جزو "مناطق راهبردی سوریه" بود، عملیات دیگری را شروع می‌کنند و برای تثبیت منطقه دست‌بکار می‌شوند. داعشبه هر دری می‌زنند موفق نمی‌شوند به این منطقه نزدیک شوند و پشت بی سیم باعصبانیت به دیگر داعشی‌ها پیام دادند که "فاطمیون" این تپه را طلسم کرده‌اند. آنروز لحظه‌به‌لحظه به کشته‌های داعشی اضافه می‌شد... داعشی‌ها مثل مور و ملخ از تپه‌ای که در آن منطقه بود بالا می‌آمدند و با "مقاومت و ایستادگی" تیپ فاطمیون روبه‌رو می‌شدند...

فاطمیونی که روی تپه بودند برای مقابله با تعداد بالای داعشی‌ها به مهمات نیاز پیدا می‌کنند و آقارضا برا رساندن مهمات و تجهیزات به آن‌ها به تنهایی جعبه‌های مهمات را روی دوشش می‌انداخته و به مدافعان حاضر در بالای تپه می‌رساند... رضا بعد از چندین بار رفت و برگشت به بالای تپه به شدت خسته می‌شود و بعد از این که مطمئن می‌شود نیروهای بالای تپه مهمات کافی دارند برای استراحت، خودش را به محلی که شهیدتوسلی بود می‌رساند... هنوز مدت کوتاهی از حضور رضا بخشی نگذشته که یکنفر به داعش خبر می‌دهد که هر دو فرمانده یعنی هم شهیدتوسلی و هم شهیدرضا بخشی روی تپه در کنار هم هستند. طولی نمی‌کشد که نیروهای داعشی یک "موشک حرارتی" بین آنها شلیک می‌کنند و هر دو فرمانده در کنار هم شهید می‌شوند...

کتاب مدافعان حرم، ناصر کاوه

شهید
رضا بخشی

سازی و خنوبی شکران کاوه، ناصر کاوه

بایرک آذربایجان



شهید محمد حسین یوسف الهی در زمان جنگ ایران و عراق در لشکر ۴۱ ثارالله و در "واحد اطلاعات و عملیات" مشغول به فعالیت و بعدها نیز به عنوان جانشین فرمانده این واحد انتخاب شد. این شهید بزرگوار در طول جنگ تحمیلی، پنج مرتبه به شدت مجروح شد و در نهایت در عملیات والفجر هشت در ۲۷ بهمن ماه سال ۱۳۶۴ "به دلیل مصدومیت حاصل از بمب‌های شیمیایی" در بیمارستان لبافی نژاد تهران به شهادت رسید... شهید حاج قاسم سلیمانی وصیت کرد که دوست دارم تا مرا در پس از مرگ در کنار او به خاک بسپارید. هم‌زمان این شهید می‌گویند: حسین از عرفای جبهه بود و زیباترین نماز شب را می‌خواند، کسی او را نمی‌دید، رفیق خدابود و مشکلات را با الهام‌هایی که به او می‌شد، حل می‌کرد. او به مرحله یقین رسیده بود و پرده‌های حجاب را کنار زده بود. شهید محمدحسین یوسف الهی را عارفی می‌دانند که مراتب کمال الی الله را طی کرده است و کمتر رزمنده‌ای است که روزگاری چندباو زیسته باشد، اما خاطره‌ای از سلوک معنوی و کرامات او نداشته باشد. وی مصداق سالکان و عارفانی است که به فرموده امام خمینی، یک شبه ره صدساله را پیمودند و چشم تمام پیران و کهنسالان طریق عرفان را حسرت‌زده خود کردند... همه کرمانی‌هایی که در زمان حیات حاج قاسم به زیارت شهدا می‌رفتند، می‌دیدند که "شهید سلیمانی" شب‌های جمعه با حضور در گلزار شهدا در کنار مزار "شهید یوسف الهی" چگونه زیارت عاشورا می‌خواند و با هم رزم دوران جنگ خود چگونه درد دل و دعا می‌کرد که، شهید و در کنار او خاک سپاری شود. محمد حسین خود را سرباز امام حسین می‌دانست و در راه ولایت قدم بر می‌داشت...

کتاب کشکول خاطرات دفاع مقدس، ناصر کاوه

محمد حسین یوسف الهی

شهید

خودسازی و دوزخ‌سازی از گناه، ناصر کاوه

یا حسین کاش از گناه

رفتن، رسیدن است

چهل توشه اخلاقی از میان بیانات رهبر معظم انقلاب برای راه پریچ و خم رسیدن به خدا

۱. گام اول

اولین و مهم‌ترین قدم خودسازی این است که انسان به خود و به اخلاق و رفتار خود با نظر انتقادی نگاه کند؛ عیوب خود را با روشنی و دقت ببیند و سعی در برطرف کردن آن‌ها داشته باشد. این از عهده‌ی خود ما برمی‌آید و این تکلیفی بر دوش ماست. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۰/۹/۲۵

۲. بین خود و خدا

یکی از ویژگی‌ها که بسیار مهم است تا برای خودسازی به آن توجه کنیم و شاید جنبه‌ی تقدیمی هم داشته باشد، «اخلاص» است. اخلاص عبارت است از کار را خالص انجام دادن و این که کاری را مغشوش انجام ندهیم [...] خالص بودن عبادت و خالص بودن عمل، این است که برای خدا باشد. در بین مردم، متأسفانه خیلی رایج است که کارهای خوب خودشان را بر زبان بیاورند و بگویند. کأنه توجه ندارند که نباید کار نیک را به زبان آورد و گفت که ما می‌خواهیم این کار را بکنیم یا ما این کارها را می‌کنیم.

البته برخی جاها استثناست. در جاهایی، بعضی از کارها باید در علن انجام گیرد. در روایات در باب صدقه آمده است که «صدقه‌ی سر» این ثواب را دارد و «صدقه‌ی علانیه» این ثواب را. یا مثلاً عبادات گروهی، جلوی چشم مردم انجام می‌گیرد و باید انجام گیرد و این از شعائر الهی است، اما بسیاری از عبادات یا اغلب عبادات، آن روایتی که بین خود انسان و خداست - ذکر، توجه، دعا، نافله، شب‌زنده‌داری، سحرخیزی، احسان و کارهای نیک - باید بین خود انسان و خدا بماند.

روز اول ماه مبارک رمضان ۱۳۷۱/۱۲/۴

۳. طیب خود باشیم

طیب خودتان باشید. بهترین کسی که می‌تواند بیماری ما را تشخیص دهد، خودمان هستیم. بیاورید روی کاغذ. بنویسید «حسد». بنویسید «بخل». بنویسید «بدخواهی برای دیگران؛ وقتی کسی به خیری میرسد، ما ناراحت می‌شویم». بنویسید «تنبلی در کار». بنویسید «روح بدبینی به نیکان و صالحان». بنویسید «بیاعتنائی به وظایف». بنویسید «علاقه به خود؛ شدیداً به خودمان علاقه داریم». ماه رمضان فرصتی است که یکی یکی این بیماری‌ها را تا آن جایی که بشود، برطرف کنیم.

روز اول ماه مبارک رمضان ۱۳۷۱/۱۲/۴

۴. پولادین خواهید شد اگر...

در درجه‌ی اول، جوان دانشجو و دانش‌آموز باید خودسازی کند. خودتان را با تربیت دینی بسازید. امور تربیتی خوب است. معلم تربیتی خوب است. گوینده‌ی تربیتی خوب است، اما آن کسی که از درون خود، موعظه کننده و تربیت کننده‌ای نداشته باشد، -واعظ من نفسه- این تربیت‌ها به کارش نمی‌آید. خودتان را بسازید، با نفس مبارزه کنید، اجرای حکم الهی را در محدوده‌ی شخص خودتان بزرگ بشمارید و به نماز، به توجه به خدا، به دعا و به توکل اهمیت بدهید. این شما را پولادین خواهد کرد.

دیدار با گروهی از دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۰/۸/۱۵

۵. خاکریزها را محکم کنید

مراقب باشید. مواظب باشید و خاکریزهایتان را محکم کنید تا دشمن نتواند در سنگرهای شما نفوذ کند. با این روحیه‌ی ایمانی و استوار است که می‌توانید شاخ استعمار را بشکنید و اسلحه را از دستش بگیرید تا ملتتان بتواند نفسی بکشد، تا بتوانید کشور را بسازید، تا بتوانید سطح زندگی را بالا ببرید، تا بتوانید مشکلات و گره‌هایی را که میراث سال‌های دوران استعمار و سلطه‌ی اجانب است، از بین ببرید.

در اجتماع مردم مشهد و زائران امام رضا (ع) در روز عید فطر ۱۳۷۱/۱/۱۵

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی

۶. شکستن آن بت

ما باید سعی کنیم که روح بندگی را در خودمان زنده نماییم. بندگی، یعنی تسلیم در مقابل خدا، یعنی شکستن آن بتی که در درون ماست. آن بت درونی ما - یعنی من - در خیلی جاها خودش را نشان میدهد. وقتی که منفعتت به خطر بیفتد، کسی حرفت را قبول نکند، چیزی مطابق میل تو - ولو خلاف شرع - ظاهر بشود، یا سر دو راهی قرار بگیری، - یک طرف منافع شخصی، یک طرف وظیفه و تکلیف - در چنین تنگناها و بزنگاه‌هایی، آن من درونی انسان سر بلند میکند و خودش را نشان میدهد.

اگر ما بتوانیم این من درونی، این هوای نفس، این فرعون باطنی، این شیطانی را که در درون ماست، مهار کنیم، یا اقللاً قدری مهار کنیم، همه‌ی امور اصلاح خواهد شد. قبل از هرچیز، خود ما آدم خواهیم شد و به فلاح خواهیم رسید. ماه رمضان، مقدمه‌ی این است. روزه، نماز با توجه، انقاقات، حتی جهاد فیسبیل‌الله، برای رسیدن به چنین دنیایی است که مردم بنده‌ی خدا باشند.

دیدار با اقشار مختلف مردم در آخرین روز ماه رمضان ۲۶/۲/۱۳۶۹

۷. حتی بند کفش

چیزی را که خدا میدهد، قبلاً باید از خدا بخواهیم. چرا بخواهیم؟ یکی از علل این که گفته‌اند حاجات کوچک را هم از خدا بخواهید، این است که به حوائج و عجز و حقارت و تهی‌دستی خودمان توجه پیدا کنیم تا ببینیم که چقدر تهی‌دستیم. اگر خدای متعال کمک نکند، امکان ندهد، نیرو ندهد، فکر ندهد، ابتکار ندهد و وسایل را جور نیورد، همان بند کفش هم به دست ما نخواهد رسید. اگر شما به قصد خریدن بند کفش از خانه بیرون آمدید، در راه جیب‌تان را زدند یا پولتان گم شد و یا مغازه‌ی مورد نظر بسته بود و یا در بین راه، حادثه‌ی مهمی پیش آمد که مجبور شدید برگردید، بند کفش گیرتان نیامده است. بنابراین، هر چیزی را از خدا بخواهید؛ حتی بند کفش را، حتی کوچکترین اشیاء را و حتی قوت روزانه‌ی خود را. بگذارید این من دروغین عظمت یافته در سینه‌ی ما - که میگوییم «من» و خیال میکنیم مجمع نیروها ما هستیم - بشکند. این «من» انسان‌ها را بی‌چاره میکند.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۲۸/۱۱/۱۳۷۳

۸. موانع درونی

راه برای ما روشن است، موانع راه هم برای ملت ایران روشن است. باید این موانع را بردارید؛ هم موانع درونی و هم موانع بیرونی را. موانع درونی را باید با تضرع به درگاه پروردگار، با دعا، با توجه، با تربیت و تهذیب نفس، با تقویت اخلاق، با عبادت و با توسل، از پیش پا بردارید. اگر دل ما سالم نباشد، نمیتوانیم دنیای سالمی درست کنیم. اگر در درون خودمان معیوب باشیم، نمیتوانیم عیب جامعه و جهان را برطرف کنیم. ملت ایران بار سنگینی بردوش دارد و باید آن را به منزل برساند. باید دنیایی بسازد که هم برای خودش شیرین باشد و هم برای جوامع دیگر. شما میتوانید چنین کاری بکنید؛ اما شرطش این است که هر یک از ما، درصدد تهذیب نفس خودمان باشیم. نماز با توجه، انس با قرآن، دعا و توسل، تضرع، روزه‌ی ماه رمضان و عبادات نیمه‌شب، مخصوصاً برای جوانان که تأثیرپذیری‌شان زیاد است، میتواند مهدب نفس باشد.

روز عید فطر در اجتماع مردم مشهد و زائران امام رضا (ع) ۱۵/۱/۱۳۷۱

۹. یکساعت برای خودتان

دعا کنید. نافله بخوانید. توجه پیدا کنید. متذکر باشید. در شبانه‌روز یک ساعت را برای خودتان و خدای خودتان قرار بدهید. از کارها و اشتغالات گوناگون خودتان را بیرون بکشید. با خدا و با اولیای خدا و با ولیعصر عجل‌الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه، مأنوس بشوید. با قرآن مأنوس باشید و در آن تدبر بکنید.

دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام ۲۳/۵/۱۳۷۰

۱۰. مسجد پایگاه

با امام جماعت مسجد، با عبادت‌کنندگان مسجد و با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه صمیمی باشید و آن را حفظ و بیشتر کنید. اول وقت، نماز را به جماعت، پشت سر پیش‌نماز هر مسجدی که در آن هستید، بخوانید. در مراسم دینی مسجد و تبلیغات آن شرکت کنید. در مراسم دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت کنید. [...] برای

مسجد، جاذبه درست کنید. دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور ۲۷/۸/۱۳۷۱

سازمان و دوری از گناه، ناصر کاویانی



اولین انتظاری که از تشکلهای دارم، این است که بنیه‌ی
نکنید؛ من خواهش میکنم به مسئله‌ی خودسازی و تهذیب
بودند آنهایی که از آمریکا میترسند، به خاطر این است که تهذیب

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاوی



توصیه مهم رهبر انقلاب به دانشجویان:

بنیه دینی و انقلابی تان را تقویت کنید

ارتباط تصویری نمایندگان
تشکل های دانشجویی
بارهبر انقلاب اسلامی

۱۴۰۰/۰۲/۲۱

دینی و انقلابی تان را تقویت کنید؛ از این مسئله آسان عبور
نفس توجّه کنید. از قول امام نقل کردند که ایشان فرموده
نفس نکرده اند.

خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاوی

۱۱. مثل آینه

من بارها گفته‌ام، باز هم می‌گویم؛ ما تلاوت برجسته‌ی قرآن را در این کشور دنبال می‌کنیم، برای این که انس با قرآن و تلاوت قرآن در بین مردم عمومیت پیدا کند. عزیزان من! باید با قرآن انس پیدا کنید. زبان ما، زبان قرآن نیست. می‌توانیم به ترجمه‌ی قرآن مراجعه کنیم، اما عمق‌یابی مضامین قرآنی فقط با مراجعه‌ی به ترجمه نمی‌شود؛ کما این که با خواندن متن قرآن هم برای کسانی که می‌فهمند، همیشه به دست نمی‌آید. با تدبّر به دست می‌آید. با عمق‌یابی به دست می‌آید. با قرآن باید در جان ما انعکاس پیدا کند.

دیدار قاریان قرآن کریم ۱۴/۷/۱۳۸۴

۱۲. هر روز و هر روز

قرآن خواندن هر روز را فراموش نکنید. هر روز حتماً قرآن بخوانید. هر مقداری می‌توانید. آن‌هایی که ترجمه‌ی قرآن را می‌فهمند، با تدبّر به ترجمه نگاه کنند. آن‌هایی که ترجمه‌ی قرآن را نمی‌فهمند، یک قرآن مترجم خوب - که الحمدلله زیاد هم داریم - کنار دستشان بگذارند و به ترجمه‌ی آن نگاه کنند. ممکن است ده دقیقه صرف وقت کنید و یک صفحه یا دو صفحه بخوانید، اما هر روز بخوانید. این را یک سیره‌ی قطعی برای خودتان قرار دهید. علامت بگذارید، فردا از دنباله‌اش بخوانید. دیدار اعضای هیأت دولت ۸/۶/۱۳۸۴

۱۳. بگذارید در ذهنتان حک شود

تلاوت قرآن یک فضیلت بزرگ و یک ثواب است، اما این تلاوت وسیله‌ای برای رسیدن به معرفت است. این قرآن یک اقیانوس عظیم است. هر چه بیشتر جلو بروید، تشنه‌تر می‌شوید و علاقه‌مندتر می‌شوید و دل شما روشن‌تر می‌شود. در قرآن باید تدبّر کرد. من باز هم از شما جوانان خواهش می‌کنم که با معانی قرآن انس پیدا کنید و ترجمه‌ی قرآن را بفهمید. من بارها این را از جوانان خواسته‌ام و بسیاری هم اقدام کرده‌اند. قرآن را که هر روز تلاوت می‌کنید، هرچه تلاوت کردید، ترجمه‌ی آن را هم نگاه کنید. بگذارید این مفاهیم در ذهن جوان شما حک شود. در آن صورت فرصت تدبّر پیدا خواهید کرد.

مراسم اختتامیه‌ی مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم ۹/۸/۱۳۷۹

۱۴. هنوز فاصله داریم

قرآن کتاب نور، کتاب معرفت، کتاب نجات، کتاب سلامت، کتاب رشد و تعالی و کتاب قرب به خداست. ما این خصوصیات را چه وقت از قرآن به دست می‌آوریم برادران عزیز؟ همین که قرآن را در جیبمان بگذاریم، کافی است؟ این که در هنگام سفر، از زیر قرآن رد شویم، کافی است؟ این که ما در جلسه‌ی تلاوت قرآن شرکت کنیم، کافی است؟ این که حتی قرآن را با صدای خوش تلاوت کنیم یا تلاوت خوش را بشنویم و از آن لذت ببریم، کافی است؟ نه؛ چیز دیگری لازم دارد. آن چیست؟ آن تدبّر در قرآن است. باید در قرآن تدبّر کرد. خود قرآن در موارد متعدد از ما می‌خواهد که تدبّر کنیم. عزیزان من! اگر ما یاد گرفتیم که با قرآن به صورت تدبّر انس پیدا کنیم، همه‌ی خصوصیات که گفتیم، حاصل خواهد شد. ما هنوز خیلی فاصله داریم، پس باید پیش برویم.

مراسم اختتامیه‌ی مسابقات قرائت قرآن ۱۴/۱۰/۱۳۷۳

۱۵. حضور قرآن در ذهن

شما جوانان و نوجوانانی که قرآن را فرامی‌گیرید، این را بدانید که یک ذخیره‌ی مادام‌العمر برای اندیشیدن و فکر کردن را برای خودتان فراهم می‌کنید. این چیز بسیار باارزشی است. ممکن است در سنین جوانی، معانی و معارف عمیقی را از آیات قرآن استنباط نکنید و نتوانید درست بفهمید - فقط چیزهای سطحی و اندکی از معارف را بفهمید - اما به موازات بالا رفتن سطح معلومات و پیش‌رفت علمی، از آیات قرآن که در حافظه و ذهن شما قرار دارد، بیشتر استفاده می‌کنید. حضور قرآن در ذهن انسان، نعمت بسیار بزرگی است. فرق است بین کسی که برای مطلبی، بارها آیات قرآن و فهرست‌های قرآنی را جست‌وجو میکند تا ببیند در این باره آیه‌ای وجود دارد یا نه، با آن کسی که آیات قرآن در ذهن و دل و جلو چشم اوست و نگاه میکند و آن چه را که در هر بخشی از معارف اسلامی به آن نیاز دارد، از قرآن استنباط و استخراج می‌کند و روی آن فکر و تأمل می‌کند و از آن استفاده می‌برد. انس با قرآن در دوران کودکی و نوجوانی، تا دوران جوانی، یک نعمت بسیار بزرگ است.

دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور ۲۸/۶/۱۳۸۰

خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی

۱۶. بدترین درد

برادران غفلت نکنیم. بزرگ‌ترین عذاب خدا بر یک ملت این است که آن ملت غافل بشوند. بدترین درد برای یک جامعه، غفلت آن جامعه است. از خدا غافل نشویم. در دل و جان ما و در یکایک تصمیم‌گیری‌ها و حرکات ما، کار اداری، کار سیاسی، کار نظامی، کار مدیریت، وقت پول خرج کردن، وقت اعتبار تخصیص دادن، وقت قانون گذراندن، وقت قضاوت کردن، در تمام مراحل باید خدا به یاد ما باشد. ما باید برای خدا کار کنیم. این طوری این جامعه پیش خواهد رفت.

در دیدار اعضای هیأت دولت ۸/۶/۱۳۸۴

۱۷. پایان جوش انقلابی

وقتی نماز جماعت میخوانید، نماز شما باید همراه با توجه به پروردگار و خشوع در مقابل او باشد. وقتی اعتکاف میکنید، وقتی روزه میگیرید، وقتی اجتماعات مذهبی تشکیل میدهید، باید همراه با توجه به خدای متعال و همراه با اخلاص باشد. کلید موفقیت این هاست. اگر این نباشد، همان چیزی بر سر انسان خواهد آمد که دیدید بر سر عده‌ای آمد. عده‌ای در اول انقلاب خیلی تند و داغ و پُرشور بودند، اما متأسفانه فکر دینی آن‌ها عمق نداشت؛ با اولین باد سردی که از طرف تبلیغات دشمنان آمد، برگ و بار انقلابیشان ریخت و جوشش انقلابیشان تمام شد. بعضیها صدوهشتاد درجه این طرف غلتیدند. [...] این به خاطر نداشتن عمق است. به این دلیل است که ریشه‌ی اعتقادی و فکری وجود ندارد.

دیدار دانشجویان و استادان دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹

۱۸. همه می‌توانند

همه‌ی مردم و بالخصوص جوانان عزیز، این ارتباطی را که به برکت این روزهای مبارک و شب‌های نورانی با خدای متعال پیدا کرده‌اند، نگذارند قطع شود. این رابطه‌ی با خدا را حفظ کنید. وسیله‌ی حفظ این رابطه هم در اختیار همه هست. اگر همین نماز پنج‌گانه، با توجه، با حضور قلب و با این توجه که در مقابل خدا ایستاده‌ایم، خوانده شود، بهترین رابطه است و روزبه‌روز دل شما را نورانیتر خواهد کرد. آن جوان‌هایی که شب‌های قدر در مساجد، حسینیه‌ها و حرم‌های مطهر گرد هم آمدند، گریه کردند، دعا خواندند، قرآن سر گرفتند، احیاء گرفتند و دل‌هایشان را با نور محبت الهی نورانی کردند، این رابطه را حفظ کنند که از آن بهره‌مند خواهند شد. ان شاء الله در طول زمان، در سال‌های دیگر، روزبه‌روز این رابطه بیشتر خواهد شد. انسان از این راه هست که به کمال مطلوب و غایت خلقت خود، دست خواهد یافت. موفقیت در همه‌ی میدان‌های زندگی هم به همین وابسته است. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۵/۸/۲

۱۹. بالاترین خطر

اگر بخواهیم استغفار- این نعمت الهی- را به دست بیاوریم، دو خصلت را باید از خودمان دور کنیم، یکی غفلت و دیگری غرور. غفلت، یعنی انسان به کلی متوجّه و متنبّه نباشد که گناهی از او سر میزند. مثل بعضی از مردم [...] بعضی از این افراد غافل، اصلاً به ثواب و عقاب عقیده‌ای ندارند. بعضی به ثواب و عقاب هم عقیده دارند، اما غرق در غفلتند و اصلاً ملتفت نیستند که چه کار میکنند. اگر این را در زندگی روزمره‌ی خودمان قدری ریز کنیم، خواهیم دید که بعضی از حالات زندگی ما شبیه حالات غافلان است. غفلت، دشمنی بسیار عجیب و خطر بزرگی است. شاید واقعاً برای انسان هیچ خطری بالاتر و هیچ دشمنی بزرگ‌تر از غفلت نباشد. [...] در اصطلاحات قرآنی، آن چیزی که نقطه‌ی مقابل این غفلت است، تقواست. تقوا، یعنی به هوش بودن و دائم مراقب خود بودن.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

۲۰. بازگشت به خدا

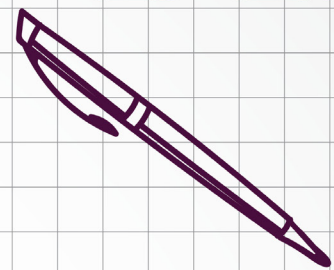
لازم نیست که اگر انسان میخواهد احساس گناه کند، حتماً بایستی سال‌های متمادی غرق در گناه شده باشد. نخیر؛ یک گناه هم یک گناه است. نباید گناه را کوچک دانست. در روایات باب «استحقار الذنوب» داریم که حقیر شمردن گناهان را مذمت کرده‌اند. علت این که خدای متعال میفرماید «می‌آمرزیم»، این است که بازگشت به خدا، خیلی مهم است؛ نه این که گناه، کم و کوچک است. گناه، عمل بسیار خطرناکی است، منتها بازگشت و توجّه به خدا و ذکر او، این قدر اهمیت دارد که اگر کسی این را صادقانه و درست و حقیقی انجام دهد، آن وقت آن بیماری صعب‌العلاج از بین میرود. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

سازمان خرد سازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی

برنامه خودسازی معنوی که امام خمینی (ره) به ما پیشنهاد داده است

یک نسخه با حال!

گام اول: قرار و مدار



یک شروع - محکم و با انرژی

یکی دو مورد از تصمیمات اخلاقی مهم و اولویت دار را انتخاب می‌کنم؛ مثلاً نماز اول وقت می‌تواند شروع خیلی خوبی باشد.

((مشارطه)) آن است که امروز برخلاف فرموده خدای تعالی شوی. به شیطانی که در من است خدای تعالی تو را به صراط مستقیم هدایت کند.

گام دوم: با حواس جمع!



یک روز - متفاوت

از همان اول صبح خودم را برای وفای به عهدی که با خداوند بسته‌ام آماده می‌کنم.

گام سوم: زنگ حساب

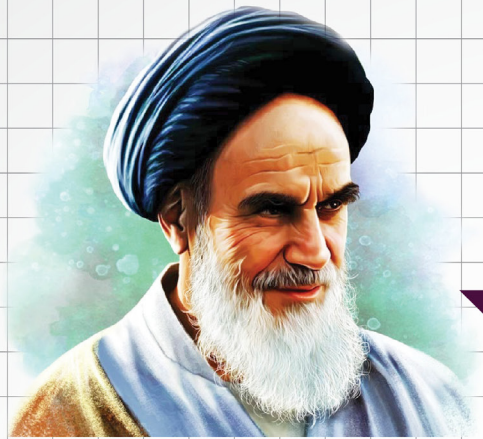


پیش خدا - روسفیدم

چند دقیقه قبل از خواب هر شب را به حساب و کتاب اعمالم اختصاص می‌دهم تا ببینم چه قدر به عهدم وفا کردم.



خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاوه



ت

در اوّل روز مثلاً با خود شرط کنی که
 داوند رفتار نکنی. سپس باید وارد
 مان بگو که من یک امروز با خود شرط
 اوند، عمل نکنم. باید به همین حال
 (محاسبه) است. به این حال باش تا
 ط مستقیم انسانیت برساند.

۱۰ و ۹ کتاب شرح چهل حدیث امام خمینی رحمه الله

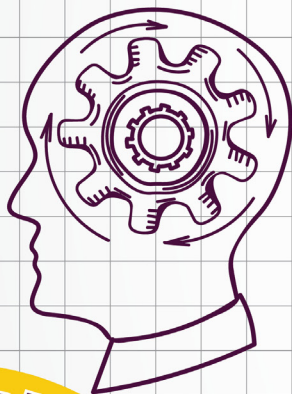


گام ششم: تصمیمات شیرین

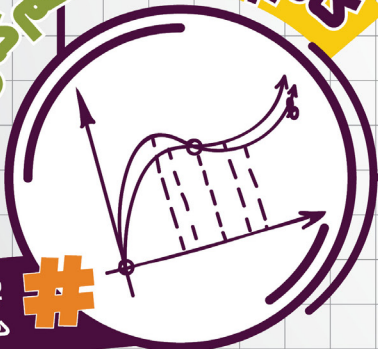


از این بهتر -
 نمیشه

حالا وقت آن است که بروم سراغ تصمیمات
 دیگری مثل: غیبت نکردن، صداقت، اسراف
 نکردن، احترام به والدین و...



گام پنجم: محکم کاری



پای قولم -
 هستم

این چند گام را تا ۴ روز ادامه می دهیم تا
 حسابی این تصمیم ها در وجودم پایدار و
 محکم شوند.

گام چهارم: ناامیدی ممنوع



من -
 می توانم

اگر موفق شدم خدا را شکر می کنم. اگر موفق
 نشدم استغفار می کنم و دوباره با خدای
 خودم تجدید عهد کرده و مطمئنم این بار
 موفق می شوم.



خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاوه



۲۱. از خدا بخواهید

همه جور حاجت را میشود از خدا خواست و باید خواست؛ حتی حاجت‌های کوچک. اما این درخواست خود را به این حاجات کوچک منحصر نکنید. حاجات بزرگ‌تری هست؛ آن‌ها را از یاد نبرید. بزرگ‌ترین آن‌ها «مغفرت الهی» است. از خدا بخواهید که آثار به جامانده‌ی از تخلف و گناه را از دل و جان ما برطرف بفرماید؛ از خدا بخواهید که راه توبه را برای شما هم‌وار کند. حاجت بزرگ دیگر «محبت الهی» است. مقام حُبّ الهی را از خدای متعال طلب کنید. حاجت بزرگ دیگر «اصلاح امور امت اسلامی» است. از خدا بخواهید خدای متعال امور همه‌ی مسلمان‌ها - نه فقط ملت ایران را- و همه‌ی کشورهای اسلامی را اصلاح کند. بلکه از خدای متعال هدایت بشریت را به راه راست بخواهید. این دعاها اقبال استجاب‌ی زیادی دارد و همین دعاها اثر میکنند. راه‌ها را باز میکند. وسائل را آسان میکند و ما را در رسیدن به این مطلوب‌های بزرگ کمک میکند.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۵/۸/۲

۲۲. برکت‌های چندسویه

دعا انسان را به خدا نزدیک میکند. معارف را در دل انسان ماندگار و مؤثر میکند. ایمان را قوی میکند، علاوه بر این که مضمون دعا - که خواستن از خداست - ان شاء الله مستجاب میشود و خواسته‌ی انسان برآورده میگردد؛ یعنی دعا از چند سو دارای برکات بزرگ است. لذاست که در قرآن کریم، بارها در باب دعا و دعایی که بندگان صالح خدا کرده‌اند، سخن گفته شده است. همه این‌ها برای آن است که به ما درس داده شود.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

۲۳. اگر اهل دعا باشیم

زمان را قدر بدانید. حاجات بزرگ را، حاجات امت اسلامی را، حاجات کشور اسلامی را، حاجات ملت خودتان را، حاجات شخصی خودتان را مورد توجه قرار دهید و آن‌ها را متضرعانه و مجدانه از خدای متعال بخواهید. و هرکس تعهد کند این دعایی که میکند، هر آن‌چه که از عمل کرد او احتیاج دارد، پای آن بایستد و بگوید من حاضرم در راه خدا تلاش کنم. [...] فرصت دعا را مغتنم بشمارید. خدای متعال این دعاها را مستجاب خواهد کرد و خواسته‌ها برآورده خواهد شد. جامعه‌ی ما اگر جامعه‌ی تقوا و دعا و معنویت باشد، بسیاری از مشکلات مادی او هم قطعاً برطرف خواهد شد.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

۲۴. علامت بد

نمیدانم روایت از معصوم علیه السلام است یا عبارتی از غیر معصوم؛ هرچه هست، عبارت حکمت‌آمیزی است. میگوید: «أَنَا مِنْ أَنْ أَسْلَبَ الدُّعَاءَ أَخَوْفُ مِنْ أَنْ أَسْلَبَ الإِجَابَةَ؛ از این که دعا از من گرفته شود، بیشتر میترسم تا این که اجابت از من گرفته شود.» گاهی حال دعا از انسان گرفته میشود. این علامت بدی است. اگر دیدیم در وقت دعا، در وقت تضرع و در وقت توجه و تقرب، هیچ نشاط و حوصله‌ی دعا نداریم، علامت خوبی نیست. البته درستش هم میشود کرد. انسان میتواند با توجه، با التماس و با خواستن، حال دعا را به طور جدی از خدا بگیرد.

خطبه نماز جمعه ۱۳۷۳/۱۱/۲۸

۲۵. هرچه می‌خواهد دل تنگت

در روایات دارد وقتی برای حاجاتی دعا میکنید، دعا و خواسته‌ی خود را زیاد ندانید. یعنی هرچه مایل هستید و میخواهید، از خدا طلب کنید. نگویید این زیاد است؛ کمتر بخواهم تا بشود. ما از استکثار دعا منع شده‌ایم. یعنی دعا و مطلوب را در مقابل پروردگار زیاد نشمارید. از خدا خواسته‌های بزرگ بخواهید و خدای متعال برآورده میکند. در امید به دعا را به روی خودتان نبندید و این راه و وسیله‌ای را که خدای متعال بین خود و بندگان قرار داده است، بر روی خودتان مسدود نکنید. البته باز در روایات دارد «الْتَهَى مِنْ الإِسْتِعْجَالِ فِي الدُّعَاءِ»، یعنی در دعا عجله نکنید. اگر چیزی را خواستید و پُر زمانی که شما خواستید برآورده نشد، نگویید که خدای متعال دعای مرا مستجاب نکرد، نه. «الْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا.»

خطبه نماز جمعه ۱۳۷۱/۱۲/۷

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی

۲۶. همت بلند دارا!

در دعا همت بلند داشته باشید. درخواست‌های بزرگ بکنید. سعادت دنیا و آخرت را بخواهید و نگویید این‌ها بزرگ است، این‌ها زیاد است؛ نه. برای خدای متعال این‌ها چیزی نیست. عمده این است که شما به معنای حقیقی کلمه و با همین شرایط طلب کنید. خدای متعال این طلب را اجابت خواهد کرد. گاهی هم انسان نمیداند کاری که انجام گرفت، اجابت دعای او بوده. خود انسان غافل است.
خطبه نماز جمعه ۸۴/۷/۲۹

۲۷. نقدترین دستاورد

دعا مخصوص وقت گرفتاری نیست؛ همیشه باید دعا کرد. بعضی خیال میکنند وقتی گرفتاری و مصیبت و بلایی بود، باید دعا کرد؛ نه. آن وقتی هم که انسان در حال عادی زندگی میکند، باید دعا کند و رابطه را با خدا محفوظ نگه دارد. به تعبیر یکی از روایات، صدای خود را برای فرشتگان در ملکوت اعلی آشنا کند. دعا همیشه لازم است. [...] بزرگ‌ترین فایده‌ی دعا، فایده‌ی نقد دعاست که به خود شما دعاکننده میرسد. یعنی ایجاد رابطه با خدای متعال و احساس محبت و شوق به تقرب به پروردگار عالم. این، نقدترین دستاورد دعاست که متعلق به خود شما دعاکننده است؛ بحث استجابت بحث دیگری است.
خطبه نماز جمعه ۱۳۸۴/۷/۲۹

۲۸. اقبال استجابت

لازم نیست دعا همیشه قوانین طبیعی را به هم بزند و برخلاف قوانین طبیعی عمل کند؛ نه. دعا در چارچوب قوانین طبیعی مستجاب میشود و خواسته‌ی شما برآورده میگردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می‌آورد، کنار هم میگذارد و مقصود شما برآورده میشود. [...] اگرچه در مواردی بلاشک دعا قوانین را هم خرق میکند، اما این‌طور نیست که وقتی میگوییم دعا مستجاب میشود، یعنی دعای شما اگر با قوانین دیگر الهی منافات داشته باشد و عملی همراهش نباشد، و یا حتی خود دعا از روی توجه هم نباشد، باز مستجاب میشود؛ نه. در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و حقیقتاً مطالبه کردن لازم است. این دعا مستجاب میشود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجابت این دعا واقعاً بیشتر است. آن وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتماً اقبال استجابت در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ به خصوص در مسائل بزرگ، به خصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملت‌ها. چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحققش زمان میطلبد.
خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

۲۹. باز بخواهید و بخواهید

یکی از شرایط استجابت دعا این است که آن را با توجه مطرح کنیم. گاهی لقلقه‌ی زبان، جملاتی چون «خدایا ما را بیامرزد»، «خدایا به ما سعه‌ی رزق بده» و «خدایا قرض ما را ادا کن» است. ده سال انسان این‌گونه دعا میکند، اصلاً مستجاب نمیشود. باید تضرع کنید و جدی بخواهید. باید از خدای متعال با الحاح بخواهید. باز بخواهید و باز بخواهید. در این صورت البته خدای متعال دعاها را مستجاب خواهد کرد.
خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۷۳/۱۱/۲۸

۳۰. به ما هم یاد بدهید!

توصیه‌ی من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید؛ حرف که میزنید، غذا که میخورید، معاشرت که میکنید، کتاب که میخوانید، فکر که میکنید، نقشه که برای آینده میکشید، در همه‌ی این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفستان مقدم بدارید. تسلیم هوای نفس نشوید. تمرین این چیزها در این سه روز میتواند درسی باشد برای خود آن عزیزان و برای ماها که این‌جا نشستیم و با غبطه نگاه میکنیم به حال جوانان عزیزمان که در حال اعتکاف هستند. با عمل خودتان به ما هم یاد بدهید.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی

۳۱. این شب را به خاطر بسیار

یکی از مهم‌ترین روزهای سال، روز نیمه‌ی شعبان است که هم مصادف با ولادت ذیجود و مسعود حضرت بقیةالله ارواحنا فدا شده است و هم شب و روز نیمه‌ی شعبان - با قطع نظر از ولادت این بزرگوار در این شب و روز - از لیالی و ایام متبرکانه. شب نیمه‌ی شعبان، شب بسیار متبرکی است؛ تالی تلو لیالی قدر و وقت توجّه و تذکر و توسّل به ذیل عنایات باری تعالی و طلب و درخواست است. اعمال و ادعیه‌ای هم دارد که اگر موفق شده‌اید و آن‌ها را انجام داده‌اید، ان شاءالله مشمول قبول پروردگار باشد. اگر کسانی هم غفلت کردند و توجّه نداشتند، به یاد نگهدارند که همه سال، شب نیمه‌ی شعبان را مغتنم بشمارند.
دیدار اقدار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۰۹/۲۵

۳۲. منتظر حقیقی

بزرگ‌ترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و هم‌چنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدّس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدّس شرکت میکردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، میتواند ادّعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را میبازند و زانوانشان سست میشود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آن‌ها را به خطر میاندازد، انجام دهند، این‌ها چطور میتوانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مُصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.
دیدار با مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاى تهران ۱۳۸۱/۷/۳۰

۳۳. مبارک خواهد شد

فرصت روزه و امساک و فضای عبادت و معنویت را قدر بدانیم و قدری خودمان را به خدا نزدیک کنیم. از گناهان دوری کردن، به قربات و اعمال عبادی هرچه نزدیکتر شدن، اخلاق و رفتار و صفات و خصال انسانی را هرچه در خود زنده‌تر و فعّال‌تر کردن، اموری است که در این ماه میتواند حقیقتاً برای هر کسی و برای هر مجموعه‌ای مایه‌ی برکت باشد. از قرآن درس بگیریم. از دعاها درس و حکمت بیاموزیم. قدری در هدف از خلقت خود، در آفرینش خود، در نعمت‌های بزرگ خدای خود و در وظایف عظیمی که بر دوش ماست، تأمل و تدبّر کنیم. در مرگ و حساب الهی و ارزش عبادات و اعمال - آن‌گاه که همراه با اخلاص باشد - تأمل کنیم. آن وقت ماه رمضان حقیقتاً ماه مبارکی خواهد شد. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

۳۴. امیدوار باشیم

مردم ما، جوان‌های ما، زن و مرد ما با این شب‌ها حقیقتاً قصد پالایش خود را دارند. دل‌ها نرم میشود، چشم‌ها اشکبار میشود، روح‌ها لطیف میشود. روزه هم کمک کرده است. ما باید امیدوار باشیم، دعا کنیم و بکوشیم از این شب‌ها برای عروج معنوی خود استفاده کنیم. چون نماز معراج و وسیله‌ی عروج مؤمن است. دعا هم معراج مؤمن است. شب قدر هم معراج مؤمن است. کاری کنیم عروج کنیم و از مزبله‌ی مادی که بسیاری از انسان‌ها در سراسر دنیا اسیر و دچار آن هستند، هرچه میتوانیم، خود را دور کنیم. دلبستگیها، بدخلقیها - خلقیات غیر انسانی، ضد انسانی - روحیات تجاوزگرانه، افزون خواهانه و فساد و فحشاء و ظلم، مزبله‌های روح انسانی است. این شب‌ها باید بتواند ما را هرچه بیشتر از این‌ها دور و جدا کند.
خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۳/۰۸/۱۵

۳۵. ما عزیزتر نیستیم

من و شما پیش خدای متعال عزیزتر نیستیم از کسانی که قبل از ما بودند و از کسانی که بعد از ما خواهند آمد؛ مگر این که عملمان خوب باشد و تقوایمان بیشتر از آن‌ها باشد. این را توجه داشته باشید. اگر تقوای بیشتری به خرج دادیم، از خودمان بیشتر مراقبت کردیم، بهتر کار کردیم، بهتر به وظایفمان عمل کردیم، به قانون بیشتر احترام گذاشتیم و در جهت این اهداف، بیشتر پیش رفتیم، پیش خدای متعال عزیزتر خواهیم بود، اما بدون آن نه خیر. باید تلاشمان را در این جهت متمرکز کنیم. مواظب باشیم در دام‌هایی که دیگران افتادند، ما نیفتیم.

خودسازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی

هرکس در آن دام‌ها بیفتد، همان بلاها و همان عواقب برایش متصور است؛ فرقی بین ما و آن‌ها نیست.
دیدار با اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۷/۱۷

۳۶. ما بیشتر...

علاوه بر این که هر فرد مسلمانی احتیاج دارد به این که در این ماه ذخیره‌ی تقوا و پرهیزگاری و تهذیب و تزکیه را برای خود فراهم کند، ما منسلکین در سلک روحانیت، بیشتر از دیگران به این معنا احتیاج داریم. به قول آن عارف معروف که میگوید: آب که از برکات الهی است، همه‌ی پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها را از بین میبرد. هر جسمی که با آب تماس میگیرد، پاک میشود، ولی خود آب تحت تأثیر تماس با ناپاکی‌ها و ناپاکی‌ها، به تصفیه احتیاج پیدا میکند و خدای متعال در یک گردش طبیعی، آب را به بخار تبدیل میکند؛ به آسمان میبرد، از بالا مجدداً به صورت قطرات باران به زمین برمیگرداند، پلیدی‌ها را از آن جدا میکند، آن را تصفیه میکند و باز به صورت ماء طهور در اختیار افراد انسان و سایر موجودات قرار میدهد.

گوینده‌ی این سخن حکمت‌آمیز میگوید: این جان شما، معارف شما، نصایح شما، بلکه خود قلب و روح شما، همان ماء طهوری است که ناپاکی‌ها را از انسان‌ها میزداید، اما خود این ماء طهور به تدریج به تصفیه و تزکیه احتیاج پیدا میکند و تزکیه و تصفیه‌ی آن، جز با یک عروج معنوی، جز با یک گردش معنوی به سمت علویات - که آن هم با ذکر و دعا حاصل خواهد شد - ممکن نمی‌شود.

با ذکر، با توجه، با توسل، با مناجات، با نافله، با تضرع در مقابل خداوند، با تفکر در آیات آفاقی و انفسی، این ماء طهور باز همان طهارت خود را به دست می‌آورد؛ آماده میشود تا باز هم با پلیدی‌ها مواجه گردد و آن‌ها را از جسم و جان بشر و عالم بزداید. ماه رمضان فرصت این عروج معنوی است.

دیدار با علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶/۱۰/۰۳

۳۷. خسته‌ی روحی

در راه‌های طولانی گاهی انسان قوه هم دارد، زانو و پاها اصلاً خسته نشده، اما آدم از حرکت خسته‌ی روحی میشود. این خستگی روحی انسان را از رسیدن به اهداف باز میدارد. برای این که این خستگی روحی پیش نیاید - که از خستگی جسمی گاهی خطرش هم بیشتر است - استمداد از پروردگار، توکل به خدا و امیدواری به کمک الهی لازم است؛ این را از دست ندهید و این را داشته باشید.

بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۷/۱۷

۳۸. فقط صورت‌سازی نباشد

در مراسم مذهبی به روح مراسم توجه کنید. فقط صورت‌سازی نباشد؛ انسان شعری بخواند، اشکی بگیرد یا بریزد. روح دعا و نماز عبارت است از ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح و پالایش کردن ذهن از وسوسه‌ها. نماز را با توجه و اول وقت بخوانید. تحجر بد است. فکر نکردن در لایه‌های زیرین ظواهر، عیب بزرگی است. مواظب باشید به این عیب دچار نشوید.

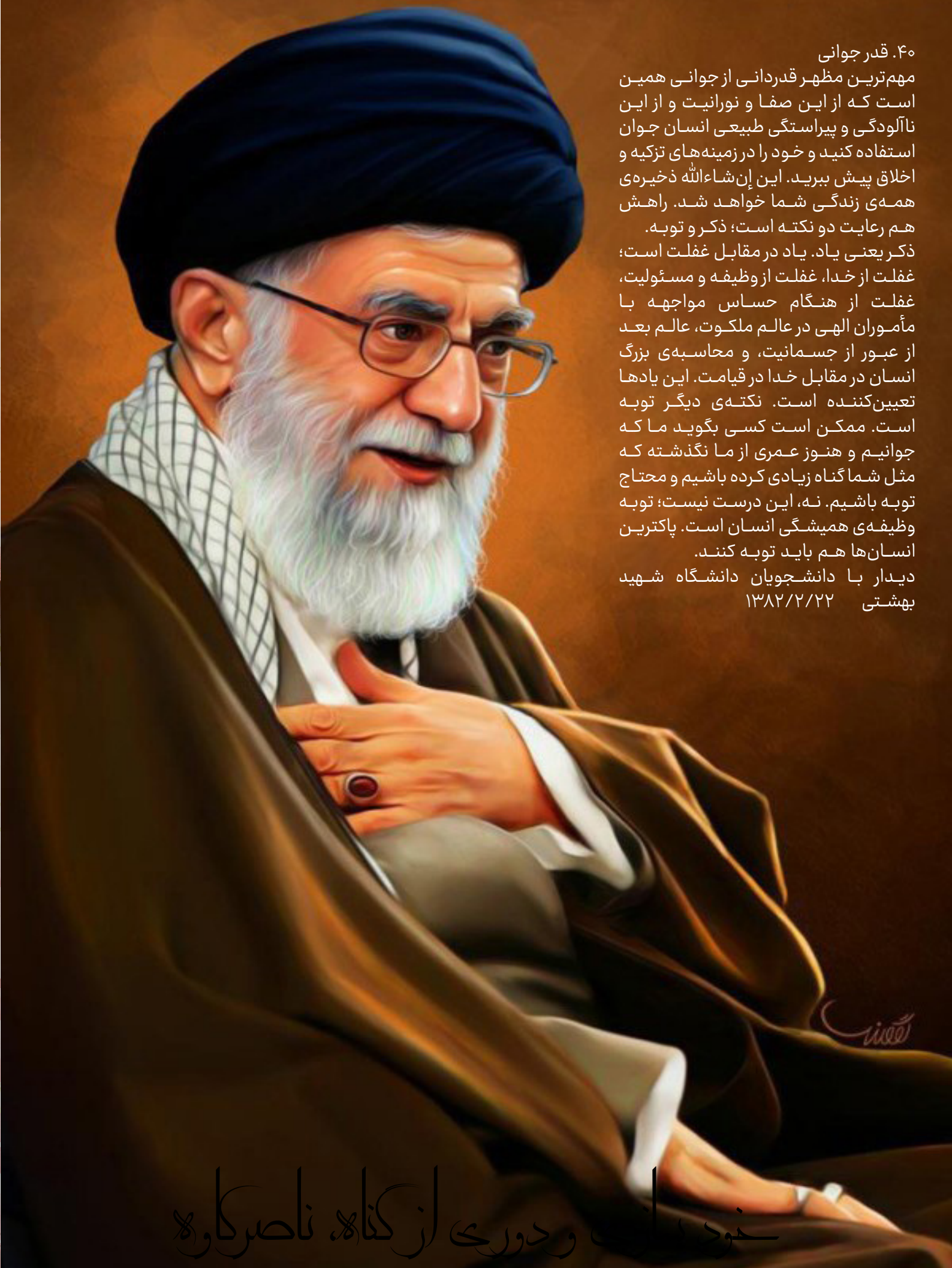
در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹

۳۹. هم‌پای دانایی

توصیه میکنم که به عمق‌ها توجه کنید و آن را بطلبید؛ از ظواهر هم دست نکشید. این خطاست که کسی خیال یا توهم کند که باید باطن را درست کرد، ظاهر مهم نیست؛ نه خیر، همین ظاهر انسان را به وادیهای گوناگونی میکشاند. ظاهر دینی، ظاهر اسلامی، پای‌بندی به تعبد دینی، همین مجالس دعا، همین مجالس توسل به ائمه علیهم‌السلام لازم است، منتها همه‌ی این‌ها را با دانایی همراه کنید.

دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹

سخت‌سازی و دوری از گناه، ناصر کاویانی



۴۰. قدر جوانی

مهم‌ترین مظهر قدردانی از جوانی همین است که از این صفا و نورانیت و از این نالودگی و پیراستگی طبیعی انسان جوان استفاده کنید و خود را در زمینه‌های تزکیه و اخلاق پیش ببرید. این **إن شاء الله** ذخیره‌ی همه‌ی زندگی شما خواهد شد. راهش هم رعایت دو نکته است؛ ذکر و توبه.

ذکر یعنی یاد. یاد در مقابل غفلت است؛ غفلت از خدا، غفلت از وظیفه و مسئولیت، غفلت از هنگام حساس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت، عالم بعد از عبور از جسمانیت، و محاسبه‌ی بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت. این یادها تعیین‌کننده است. نکته‌ی دیگر توبه است. ممکن است کسی بگوید ما که جوانیم و هنوز عمری از ما نگذشته که مثل شما گناه زیادی کرده باشیم و محتاج توبه باشیم. نه، این درست نیست؛ توبه وظیفه‌ی همیشگی انسان است. پاکترین انسان‌ها هم باید توبه کنند.

دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی
۱۳۸۲/۲/۲۲

خود را از گناه ناصبرکاره

شَهِید آیت الله مدنی در نطقی در جمع خبرنگاران
ملت در سال های اول انقلاب با اشاره به
ماجرای یوسف و زلیخا در قرآن حکیم به آن
قسمت داستان اشاره کرد که وقتی زلیخا از
عیب گیری زنان مصر با خبر شد آنان را به
ضیافتی دعوت کرد و به دست آنان وارد و
ترنجی داد و در میان مهمانی به یوسف دستور
داد که وارد ضیافت شود... آمدن یوسف همان
و بریده شدن دست زنانی که ملامت گر زلیخا
بودند همان!...

سپس آیت الله مدنی با گریه دردناک پشت
تربیبون ادامه دادند: "آقایان! نکند در محشر و
قیامت، محمدرضا (پهلوی) جلوی ما را بگیرد و
بگوید دیدید شما هم وقتی به دست تان ترنج
دادند دست تان را بریدید و مثل من کاخ نشین
و طاغوتی شدید!..."

زندگی به سبک شهدا، ناصرکاوه
خاطره ای از شهید محراب،
آیت الله سید اسداله مدنی امام جمعه شهید تبریز

مدنی
اسداله
سید
شهید

مخبر سازگی و خونریزی شهیدان گناه، ناصرکاوه

یا مونس آرزو

خود سازی و دوری از گناه، ناصر کاوی

خودسازی به سبک امام خمینی

امام خمینی (ره) در خودسازی بسیار موفق بوده و به درجات بالای اخلاق رسیده خصوصیات ممتازی را کسب کرده بودند.



دشمن شناس و دوست شناس



عبد صالح و نیایشگر
گریان نیمه شب ها



حکیم، حلیم
و آینده نگر



محو در اراده الهی
و تکلیف شرعی



علم دار
اسلام ناب



شجاع و با صلابت
و تبعیض گریز



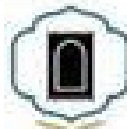
مسلط بر هوا و
خواهش نفس



خوش اخلاق
و مخلص



امیدوار و
خستگی ناپذیر



ساده زیستی در
عین آراستگی



وقت شناس
و منظم



توکل و حسن ظن
به خدا



اهل مزاج
و هو خی



اهل ورزش و
مکاتبات کتبیه



دارای جاذبه
و افتخار



مهربان، صادق
و صابرحود

سازمان توسعه و عمران استان تهران